

ظرفیت‌سازی انرژی در سیاست خارجی ایران در آسیای مرکزی (مطالعه موردی ترکمنستان)

رحمت حاجی مینه^۱

محمد مهدی خزاعی^۲

ابراهیم رضایی راد^۳

نوع مقاله: علمی

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۵/۱۸

^۱. دانشیار روابط بین‌الملل، گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شرق، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
r.hajimineh@gmail.com

^۲. دانشجوی دکتری مطالعات آمریکای شمالی، دانشکده مطالعات جهان، دانشگاه تهران، تهران، ایران. m.mahdi.khazaei@ut.ac.ir

^۳. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران. ebrahimradrezaei.r@gmail.com

چکیده

امروزه نقش انرژی در سیاست خارجی کشورها با توجه به اهمیت روزافزون آن در تحولات سیاسی و اقتصادی جهان برجسته‌تر شده است؛ تا آنجا که امروزه ژئوپلیتیک انرژی و ژئواکونومی سهم عمده‌ای در شکل‌دهی به سیاست خارجی کشورها ایفا می‌کنند. در همین راستا پرسش اصلی مقاله حاضر این است که ظرفیت انرژی در شکل‌دهی به سیاست خارجی ایران در قبال کشورهای آسیای مرکزی، به ویژه ترکمنستان، چگونه عمل می‌کند؟ در پاسخ، فرضیه پژوهش بیان می‌کند که بر اساس چارچوب نظری ترکیبی ژئوپلیتیک انرژی و ژئواکونومی، با تحلیل داده‌ها با استفاده از روش کیفی و رویکرد توصیفی-تحلیلی و با توجه به حضور ایران و ترکمنستان در جمع کشورهای تولیدکننده و صادرکننده انرژی، ظرفیت انرژی در سیاست خارجی ایران می‌تواند کارکردی به مثابه یک ابزار راهبردی داشته باشد و در راستای همسوسازی منافع انرژی محور دو کشور، همزمان در کاهش چالش‌های ژئوپلیتیکی ترکمنستان و ژئواکونومیکی ایران ایفای نقش نماید. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که گرچه ایران و ترکمنستان به عنوان تولیدکنندگان گاز طبیعی ممکن است رقیب یکدیگر قلمداد شوند، اما همکاری‌های مبتنی بر ترانزیت و سوآپ گاز می‌تواند زمینه‌ساز گسترش روابط دوجانبه و پیش‌برنده منافع مشترک باشد. همچنین مسیرهایی مانند راه‌گذر بین‌المللی شمال-جنوب و اتصال بندر چابهار به آن، می‌تواند نقش مهمی در تسهیل صادرات گاز ترکمنستان و تثبیت جایگاه ایران در زنجیره ترانزیت انرژی منطقه‌ای ایفا کند. با این حال، عملیاتی‌سازی این ظرفیت‌ها با چالش‌های ساختاری همچون تحریم‌های یکجانبه و رقابت‌های ترانزیتی مواجه است که غلبه بر آنها نیازمند دیپلماسی فعال دوجانبه و چندجانبه در سطح منطقه‌ای است.

• واژگان کلیدی

ایران، ترکمنستان، ژئوپلیتیک انرژی، ژئواکونومی، سیاست خارجی.

۱. مقدمه

فروپاشی شوروی فرصت‌های نوینی برای کشورهای آسیای مرکزی به ارمغان آورد که مهم‌ترین آن‌ها دستیابی به استقلال در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اقتصادی از سیاست‌های روسیه بود. با این حال، به‌زودی مشخص شد که استقلال سیاسی به‌تنهایی نمی‌تواند حلال تمامی مشکلات این کشورها باشد. برای نمونه در ترکمنستان که منابع انرژی به ویژه ذخایر گاز طبیعی به‌عنوان عاملی اساسی در پیشرفت اقتصادی و تحقق استقلال واقعی این کشور به شمار می‌آید، تحت تاثیر عواملی مانند محصور در خشکی بودن^۱ این کشور و فقدان دسترسی به دریاهای آزاد و تسلط سنتی و نسبی روسیه به مسیرهای صادراتی انرژی منطقه، سبب شده است که تلاش‌هایی از سوی این کشور برای توسعه اقتصادی و جستجوی شرکای جدید با هدف کاهش وابستگی به روسیه انجام گیرد. از سویی، ایران نیز به دلیل نیاز به جبران کسری گاز طبیعی در استان‌های شمالی، به ویژه در ماه‌های سرد سال، می‌تواند از همکاری‌هایی مانند واردات یا سوآپ گازی^۲ با ترکمنستان بهره‌مند شود. شایان ذکر است که ترکمنستان پس از استقلال، تعدادی خطوط لوله برای صادرات گاز طبیعی طراحی و اجرا کرده است، اما عدم دسترسی به بازارهای جهانی و منطقه‌ای به دلیل موانعی مانند عبور خطوط از چندین کشور، مسافت طولانی و نبود صرفه اقتصادی، این طرح‌ها را با چالش مواجه کرده است. در این راستا، موقعیت جغرافیایی ایران، با دسترسی به آب‌های آزاد خلیج فارس و مناطق قفقاز و غرب آسیا، این کشور را به شریکی سودمند برای ترکمنستان تبدیل می‌کند.

این مقاله با تمرکز بر نقش انرژی در روابط ایران و ترکمنستان درصدد است با بهره‌گیری از چارچوب نظری ترکیبی ژئوپلیتیک انرژی و ژئواکونومی و با اتخاذ روش توصیفی - تحلیلی، به این پرسش پاسخ دهد که ظرفیت انرژی در شکل‌دهی به سیاست خارجی ایران در قبال آسیای مرکزی خصوصاً ترکمنستان چگونه عمل می‌کند؟ فرضیه پژوهش بیان می‌کند که بر اساس چارچوب نظری ترکیبی ژئوپلیتیک انرژی و ژئواکونومی با تحلیل داده‌ها با استفاده از روش کیفی و رویکرد توصیفی - تحلیلی و با توجه به حضور ایران و ترکمنستان در جمع کشورهای تولیدکننده و صادرکننده انرژی، ظرفیت انرژی در سیاست خارجی ایران می‌تواند کارکردی به مثابه یک ابزار راهبردی داشته باشد و در راستای همسوسازی منافع انرژی‌محور دو کشور

¹. Landlocked

². Gas Swap

همزمان در کاهش چالش‌های ژئوپلیتیکی ترکمنستان و ژئواکونومیکی ایران ایفای نقش کند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد ایران و ترکمنستان به عنوان تولیدکنندگان گاز طبیعی ممکن است رقیب یکدیگر قلمداد شوند، اما همکاری‌های مبتنی بر ترانزیت و سوآپ گاز می‌تواند زمینه‌ساز گسترش روابط دوجانبه و پیش‌برنده منافع مشترک باشد. همچنین مسیرهایی مانند راه‌گذر بین‌المللی شمال - جنوب و اتصال بندر چابهار به آن، می‌تواند نقش مهمی در تسهیل صادرات گاز ترکمنستان و تثبیت جایگاه ایران در زنجیره ترانزیت انرژی منطقه ایفا کنند. شایان ذکر است که نوآوری این پژوهش در دو بعد مهم نهفته است. نخست، بهره‌گیری از چارچوب نظری ترکیبی ژئوپلیتیک و ژئواکونومی انرژی که برای نخستین بار «ظرفیت‌سازی انرژی» را به عنوان ابزاری راهبردی در سیاست خارجی ایران مفهوم‌سازی می‌کند؛ ابزاری که با همسوسازی منافع انرژی محور دو کشور، رفع چالش محصور بودن ترکمنستان در خشکی را با ناترازی فصلی گاز و تحریم‌های ایران هم‌راستا ساخته و به همگرایی منطقه‌ای بدل می‌نماید. دوم، تحلیل عملیاتی دو مکانیزم اجرایی ترانزیت (راه‌گذر شمال-جنوب و اتصال بندر چابهار) و سوآپ گاز به عنوان ستون‌های اصلی این ظرفیت‌سازی است؛ رویکردی که برخلاف پژوهش‌های پیشین، ایران را نه صرفاً رقیب در حوزه صادرات گاز، بلکه «دروازه ترانزیتی پایدار ترکمنستان» و کاهش‌دهنده وابستگی این کشور به مسیرهای روسی و چینی معرفی می‌کند.

۲. ادبیات پژوهش

تاکنون آثار متعددی در زمینه همکاری‌های اقتصادی و سیاسی ایران و ترکمنستان تألیف شده است. در این بخش تلاش شده آثاری که نزدیک و همسو با مقاله حاضر است مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد و نهایتاً خلأ پژوهشی آن‌ها مورد جستار قرار گیرد. در مقاله‌ای با عنوان «دیپلماسی اقتصادی و سیاست همسایگی ایران و ترکمنستان» که توسط برزگر و توکلی (۱۴۰۰) نوشته شده، نگارندگان بیان داشته‌اند که یکی از مؤلفه‌های مهم روابط ایران و کشورهای آسیای مرکزی، شرایط جغرافیایی است و مطرح می‌کنند که ظرفیت‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی میان دو کشور می‌توانند موجب همکاری‌های بیشتر دو کشور و کاهش تنش‌های اقتصادی و سیاسی برای ایران شود. نویسندگان در نتایج خود به این موضوع اشاره می‌کنند که علی‌رغم فشارهای ایالات متحده، گسترش همکاری با ترکمنستان می‌تواند گامی در جهت کاهش اثر تحریم‌ها بر ایران و نفوذ بیشتر آن در آسیای مرکزی باشد. مقاله دیگری با

عنوان «تحلیل راهبردی - پیش‌تدبیرانه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال ترکمنستان» که توسط کرمی و سلاورزی‌زاده (۱۴۰۲) نگارش شده است بیان می‌کند ایران و ترکمنستان دو کشوری هستند که علاوه بر اشتراکات فرهنگی و تاریخی دارای مرز مشترک آبی و خاکی نیز هستند که می‌تواند زمینه‌ساز ایجاد ظرفیت برای همکاری‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی شده و بستری مناسب برای توسعه همکاری‌ها در حوزه‌های مختلف فراهم کند. نویسندگان همچنین بیان می‌کنند که راهبرد سیاست خارجی ایران، به ویژه در قبال آسیای مرکزی و کشورهایی مانند ترکمنستان، تاکنون ناموفق بوده است که این امر سبب شده، دستیابی به الگو و سیاستی مطلوب در قبال ترکمنستان محدود و چالش‌برانگیز باشد. اثر بعدی که مورد بررسی قرار گرفته است، مقاله‌ای با عنوان «سیاست ایران در قبال قفقاز و آسیای مرکزی»^۱ است که توسط شافر^۲ (۲۰۲۲) نوشته شده و بیان می‌کند که بسیاری از تحلیل‌های مربوط به سیاست خارجی ایران بر جایگاه و کنشگری این کشور در منطقه غرب آسیا مرتبط است. بررسی‌های نگارنده بیانگر آن است که سیاست خارجی ایران در قبال همسایگان شمالی‌اش، عمدتاً تحت تاثیر موضوعات امنیت داخلی ایران در موضوع گروه‌های قومی قرار دارد. منبع دیگری که مورد مطالعه قرار گرفته مقاله‌ای است با عنوان «تحلیلی بر روابط انرژی میان ایران، ترکمنستان و ترکیه از منظر همگرایی منطقه‌ای»^۳ که توسط شایان و بصیری^۴ (۲۰۲۳) نوشته شده است. نویسندگان آن بیان می‌کنند که در دهه‌های اخیر، ایران و ترکمنستان به همسایگانی قابل اعتماد تبدیل شده‌اند. با این حال، هنگامی که این دو کشور قصد توسعه همکاری‌های خود در زمینه انرژی مانند صادرات گاز از طریق ترکیه به اروپا را دارند، با موانع و چالش‌های متعددی در حوزه‌هایی مانند روابط دوجانبه، بازار انرژی ترکیه و اتحادیه اروپا مواجه می‌شوند. یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد که مرزهای طولانی مشترک ترکمنستان با ایران به مثابه دروازه ورود ایران به اقتصاد این کشور عمل می‌کند. همچنین موضوع ترانزیت گاز ترکمنستان از ایران به ترکیه در این مقاله مطرح شده تا ایران از حق ترانزیت بهره‌مند شود.

1. Iran's Policy toward the Caucasus and Central Asia

2. Shaffer

3. An Analysis of Energy Relationship among Iran, Turkmenistan and Turkey from the Perspective of Regional Integration

4. Shayan & Basiri

کتاب «بازی بزرگ گاز: نگاهی به روابط هند و تولیدکنندگان گاز طبیعی» نوشته دیتل^۱ (۱۳۹۹) به بررسی جایگاه هند و تاثیر جغرافیای آن که در میان مناطق گازخیز جهان قرار دارد، بر امنیت انرژی هند می‌پردازد. نویسنده با تمرکز بر سه صادرکننده اصلی گاز به شمول ایران، روسیه و ترکمنستان و پروژه‌هایی چون خط لوله ایران - پاکستان - هند^۲، تاپی^۳، خط لوله میانمار - بنگلادش - هند و طرح ساگه^۴ نشان می‌دهد که با وجود ظرفیت بالای این مسیرها، به دلیل موانع سیاسی، امنیتی و ژئوپلیتیکی، تاکنون هیچ کدام تحقق نیافته است. پرسش محوری کتاب این است که چرا هند، با وجود همجواری با مناطق غنی از گاز، هنوز به شبکه‌ای بین‌المللی از خطوط لوله متصل نشده است. پاسخ نویسنده بر پیچیدگی رقابت‌های ژئوپلیتیکی و امنیتی در بازی جهانی خطوط لوله تأکید دارد و در نهایت راه حل را در تنوع‌بخشی به منابع انرژی، واردات گاز طبیعی مایع و مشارکت فعال‌تر هند در پروژه‌های منطقه‌ای می‌بیند. مقاله دیگری با عنوان «رقابت‌های ژئوپلیتیکی دولت‌های ایران، قطر، روسیه و ترکمنستان برای دستیابی به بازارهای جهانی انرژی» نوشته کرمی (۱۴۰۲) ابعاد سیاسی، اقتصادی و امنیتی رقابت این کشورها را در بازار گاز بررسی می‌کند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد روسیه و قطر از تبدیل شدن ایران به صادرکننده عمده گاز منطقه‌ای جلوگیری می‌کنند؛ زیرا ایران به دلیل هزینه تولید پایین گاز می‌تواند با قیمت رقابتی وارد بازار شود و نظم موجود در حوزه صادرات گاز منطقه‌ای را بر تغییر دهد. به ویژه روسیه پیش از بحران اوکراین مایل به تقویت رقابتی مانند ایران و ترکمنستان نبود، قطر نیز با بهره‌گیری از موقعیت ممتاز خود در خلیج فارس و استمرار تحریم‌ها علیه ایران، دست‌کم در کوتاه‌مدت بی‌رقیب باقی مانده است، اما در مورد ترکمنستان کمی شرایط متفاوت است زیرا ترکمنستان با وجود ذخایر عظیم گاز، به دلیل محصور در خشکی بودن و وابستگی به مسیرهای ترانزیتی، توانایی دسترسی مستقل و گسترده به بازارهای جهانی را ندارد. مقاله «فرصت‌ها و چالش‌های همکاری ژئواکونومیک ایران و ترکمنستان» نوشته نواختی مقدم و اصولی (۱۴۰۰) با بررسی ابعاد مختلف روابط اقتصادی دو کشور، به این پرسش می‌پردازد که مهم‌ترین فرصت‌ها و چالش‌های همکاری ژئواکونومیک دو کشور چیست؟ یافته‌های آن نشان می‌دهد فرصت‌های اصلی در حوزه انرژی (گاز، نفت، برق و خطوط انتقال)، ترانزیت و ارتباطات، خدمات فنی و مهندسی و سرمایه‌گذاری

^۱ Gulshan Dietl

^۲ Iran - Pakistan - India Pipeline (IPI)

^۳ TAPI Pipeline (Turkmenistan, Afghanistan, Pakistan and India)

^۴ SAGE (South Asia Gas Enterprise)

مشترک، کشاورزی و کشت فراسرزمینی، همکاری‌های منطقه‌ای در چارچوب سازمان همکاری اقتصادی اکو و تعاملات مرتبط با دریای خزر قرار گرفته است. در مقابل، کاهش ذخایر انرژی ترکمنستان، ریسک بالای سرمایه‌گذاری، محدودیت‌های رودید و بانکی و نیز نقش قدرت‌های مداخله‌گر به‌ویژه آمریکا، مهم‌ترین چالش‌های همکاری ایران و ترکمنستان به‌شمار می‌آیند. نهایتاً با توجه به آن‌چه مرور شد، تاکنون پژوهشی به‌طور خاص به موضوع ظرفیت‌سازی انرژی در سیاست خارجی ایران در قبال ترکمنستان بر اساس دو ستون ترانزیت و سوآپ گاز در چارچوب نظری ترکیبی ژئوپلیتیک انرژی و ژئواکونومی نپرداخته است. بنابراین، این مقاله با هدف پر کردن این خلأ پژوهشی، به بررسی این موضوع پرداخته است.

۳. چارچوب نظری: ژئوپلیتیک انرژی و ژئواکونومی

نظریه ژئوپلیتیک در مطالعات روابط بین‌المللی بر این ایده استوار است که موقعیت جغرافیایی و ویژگی‌های طبیعی سرزمین‌ها نقشی تعیین‌کننده در شکل‌گیری قدرت و جهت‌گیری‌های سیاسی کشورها دارند. بر اساس این نظریه، توان ملی و میزان تسلط بر قلمروی سرزمینی به عنوان عناصر محوری در نظر گرفته می‌شود. همچنین ژئوپلیتیک به مثابه رویکردی تحلیلی برای سیاست خارجی عمل می‌کند که با توجه به شرایط محیطی و ویژگی‌های سرزمینی، سیاست خارجی، الگوهای رفتاری و ظرفیت‌های دولت‌ها را تفسیر و پیش‌بینی می‌کند. بر اساس این رویکرد، عناصر جغرافیایی همچون موقعیت مکانی، گستره سرزمین، منابع طبیعی و خطوط مرزی، چارچوب اصلی قدرت یک کشور را شکل می‌دهند. از منظر نظریه‌پردازان این حوزه، سیاست خارجی دولت‌ها به شدت وابسته به الزامات جغرافیایی است و تصمیم‌سازی‌های کلان در سطح ملی، در پرتو این محدودیت‌ها و فرصت‌های ژئوپلیتیکی مورد بررسی قرار می‌گیرد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۲: ۳۱-۳۲). از سوی دیگر، ژئواکونومی به عنوان مفهومی نوین پس از جنگ جهانی دوم، همزمان با برجسته شدن جنبه اقتصادی در عرصه روابط بین‌المللی مطرح شد که به طور جدی با فرایند جهانی‌شدن گره خورده و نشان می‌دهد که چگونه در سطح کلان، پیوند میان جغرافیا و اقتصاد بر تعاملات بین‌المللی اثر می‌گذارد. جوهره مفهوم ژئواکونومی بهره‌گیری از ابزارها و ظرفیت‌های اقتصادی برای افزایش ثروت ملی، تحقق منافع کشور، استفاده از موقعیت‌های ژئوپلیتیکی و تعامل مؤثر با شبکه ارتباطات و فعالیت‌های اقتصادی دیگر بازیگران در چارچوب جغرافیا است (اسلامی و غریبی، ۱۳۹۷: ۷۳). کمپ و

هارکاوی^۱ با الهام از نظریه هارتلند مکیندر^۲، از مفهومی با عنوان «بیضی استراتژیک» یا «هارتلند انرژی» سخن می‌گویند که ایران در مرکز آن جای دارد. از نگاه آنان، موقعیت جغرافیایی ایران به گونه‌ای است که همچون نقطه اتصال سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا عمل می‌کند. افزون بر این، ایران با برخورداری از دومین ذخایر بزرگ نفت و گاز جهان، در میان دو حوزه مهم انرژی یعنی خلیج فارس و دریای خزر قرار گرفته است. جفری کمپ^۳، یکی از تحلیلگران برجسته ژئوپلیتیک نیز بر این باور است که این دو منطقه در سده کنونی نقش اصلی را در تأمین انرژی جهانی ایفا خواهند کرد و از همین رو، آنها را «بیضی استراتژیک انرژی» می‌نامد. (گل افروز، ۱۳۹۴: ۲۰۴) در نتیجه، انرژی را می‌توان در کانون مباحث ژئوپلیتیک قرار داد؛ به این معنا که دسترسی مداوم و کم‌هزینه به انرژی ترجمان عملی آن به‌شمار می‌رود (دیتل، ۱۴۰۱: ۱۵). از این منظر، چارچوب نظری ترکیبی ژئوپلیتیک انرژی و ژئواکونومی به عنوان پایه تحلیلی این پژوهش انتخاب شده است که بر تعامل میان منابع انرژی، موقعیت جغرافیایی و رقابت یا همکاری دولت‌ها در بهره‌برداری از این منابع تمرکز دارد. در این چارچوب، توانایی در دسترسی به منابع انرژی، مسیرهای ترانزیتی و بازارهای مصرف، عناصر اصلی تعیین‌کننده ژئوپلیتیک و ژئواکونومی انرژی، به ویژه در مناطق انرژی خیز جهان محسوب می‌شوند.

با تکیه بر این چارچوب نظری، اهمیت انرژی برای ایران و ترکمنستان را می‌توان در دو سطح مستقل و در عین حال به هم پیوسته تحلیل کرد. در سطح ژئوپلیتیک انرژی، ترکمنستان به دلیل محصور بودن در خشکی و وابستگی به مسیرهای ترانزیتی، ناگزیر از یافتن راهی مطمئن برای صادرات گاز خود است. ایران نیز با موقعیت جغرافیایی ممتاز و دسترسی به آب‌های آزاد، یک مسیر راهبردی برای انتقال انرژی، به‌ویژه از ترکمنستان به شمار می‌آید. در سطح ژئواکونومیک نیز ایران با وجود ذخایر عظیم گازی، به‌علت مصرف بالای داخلی و تحریم‌ها، با محدودیت در صادرات و تأمین گاز داخلی در فصول سرد سال روبه‌رو است. همکاری انرژی‌محور با ترکمنستان می‌تواند بخشی از این کسری گاز ایران را جبران کرده و هم‌زمان درآمد ترانزیتی برای کشور ایجاد کند. در واقع، تعاملات انرژی‌محور میان دو کشور در حوزه ترانزیت و سوآپ گاز، انرژی را از سطح یک کالای اقتصادی فراتر برده و به ابزاری راهبردی برای تقویت روابط دوجانبه و افزایش همگرایی منطقه‌ای بدل می‌سازد. از این منظر،

¹. Kemp and Harkavy

². Mackinder's Heartland Theory

³. Jeffry Kamp

نظریه ترکیبی ژئوپلیتیک انرژی و ژئواکونومی به عنوان چارچوب نظری این پژوهش انتخاب شده است. در واقع در این چارچوب، کشورها از ابزارهای سیاسی، اقتصادی و ژئوپلیتیکی برای تضمین امنیت عرضه و تقاضای انرژی و توسعه همکاری‌های بین‌المللی خود بهره می‌گیرند. به بیان دیگر این چارچوب نظری توضیح می‌دهد که چرا و چگونه انرژی، به عنوان متغیری ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک، می‌تواند محور اصلی در روابط ایران و ترکمنستان قرار گیرد و مناسبات دوجانبه را از دریچه همکاری‌های انرژی محور تقویت کند. در بخش بعدی به جایگاه بین‌المللی و منطقه‌ای ایران و ترکمنستان در حوزه صادرات گاز پرداخته خواهد شد تا ابتدا وضعیت این دو کشور را نسبت به هم درک نماییم.

۴. ذخایر نفت و گاز طبیعی ایران و ترکمنستان

ایران و ترکمنستان هر دو از دارندگان مهم ذخایر سوخت فسیلی در عرصه منطقه‌ای و جهانی هستند. بر اساس گزارش بریتیش پترولیوم^۱ در سال ۱۴۰۱-۱۴۰۰ (۲۰۲۱م)، ذخایر گاز طبیعی ترکمنستان ۱۳.۶ تریلیون مترمکعب برآورد شده که حدود هفت درصد از کل ذخایر گاز جهان را تشکیل می‌دهد. (BP, 2021) بر اساس جدول ۳ این کشور پس از روسیه، ایران و قطر، چهارمین دارنده بزرگ ذخایر گاز طبیعی در جهان به شمار می‌رود. ایران هم با داشتن بزرگ‌ترین ذخایر گاز طبیعی جهان و جایگاه سوم در تولید جهانی گاز، وضعیت ویژه‌ای دارد. با این حال، مصرف داخلی بالای ایران، به‌ویژه در فصول سرد سال، ظرفیت صادرات گاز ایران را به شدت محدود کرده است؛ به صورتی که در فصل زمستان، مصرف گاز خانگی ایران از ۲۶۰ میلیون مترمکعب در روز به بیش از ۶۵۰ میلیون مترمکعب افزایش می‌یابد. این افزایش مصرف، همراه با محدودیت‌های زیرساختی در بخش تولید و انتقال، موجب کاهش عرضه گاز به صنایع و نیروگاه‌ها می‌شود. بنابراین اگرچه ایران از نظر تولید گاز در رتبه سوم جهان قرار دارد، اما در فهرست صادرکنندگان، جایگاهی پایین‌تر داشته و در رتبه نوزدهم جهان قرار گرفته است؛ موضوعی که نشان‌دهنده مصرف بالای داخلی و چالش‌های صادراتی مرتبط به آن است.

^۱. British Petroleum

جدول ۱: بیشترین دارندگان ذخایر گازی اثبات شده دنیا (به ترتیب)

ذخایر گاز در سال ۲۰۲۵	ذخایر گاز در سال ۲۰۲۰	ذخایر گاز در سال ۲۰۱۰	ذخایر گاز در سال ۲۰۰۰	مجموع ذخایر اثبات شده گاز طبیعی
۴۷.۷	۳۷.۴	۳۴.۱	۳۳.۲	روسیه
۳۳.۹	۳۲.۱	۳۲.۳	۲۵.۴	ایران
۲۳.۸	۲۴.۷	۲۵.۹	۱۴.۹	قطر
۱۱.۳	۱۳.۶	۱۳.۶	۱.۸	ترکمنستان
۱۷.۴	۱۲.۶	۸.۳	۴.۸	ایالات متحده

منبع: (Zhu, 2025); (BP, 2021)

جدول ۲: میزان تولید گاز طبیعی ایران و ترکمنستان از سال ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۱ (۲۰۲۰ تا ۲۰۲۳م)
(میلیارد متر مکعب)

کشور	۲۰۲۰	۲۰۲۱	۲۰۲۲	۲۰۲۳
ایران	۲۳۵.۸	۲۴۲.۸	۲۴۷.۷	۲۵۹.۷
ترکمنستان	۶۶.۰	۷۹.۳	۷۸.۳	۷۶.۳

منبع: (Energy Institute, 2024)

جدول ۳: میزان مصرف گاز طبیعی ایران و ترکمنستان از سال ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۱ (۲۰۲۰ تا ۲۰۲۳م)
(میلیارد متر مکعب)

کشور	۲۰۲۰	۲۰۲۱	۲۰۲۲	۲۰۲۳
ایران	۲۳۶.۸	۲۲۹.۵	۲۳۹.۴	۲۴۶.۶
ترکمنستان	۳۴.۳	۳۵.۸	۳۷.۵	۳۵.۳

منبع: (Energy Institute, 2024)

جدول ۲ میزان تولید گاز طبیعی دو کشور ایران ترکمنستان را نشان می‌دهد. ایران در سال ۱۴۰۰-۱۳۹۹ (۲۰۲۱م) با تولید ۲۴۲ میلیارد مترمکعب گاز طبیعی، سهمی ۶.۴ درصدی از تولید جهانی داشته است. ترکمنستان نیز با تولید حدود هشتاد میلیارد مترمکعب در همان

سال، دو درصد از تولید گاز طبیعی جهان را به خود اختصاص داده است. شایان ذکر است که تحریم‌ها به دلیل محدودیت در جذب سرمایه‌گذاری خارجی، نقش اساسی در کاهش تولید گاز طبیعی ایران داشته‌اند. در نتیجه مقایسه تولید و مصرف گاز طبیعی ایران در سال ۱۴۰۲-۱۴۰۱ (۲۰۲۳م)؛ آمار نشانگر آن است که ایران مازاد قابل توجهی برای صادرات ندارد. در واقع ایران در فصول سرد سال، به‌ویژه برای استان‌های شمالی به واردات گاز نیاز پیدا می‌کند. در مقابل، ترکمنستان با جمعیت حدود هفت میلیون نفری و مصرف داخلی پایین، از ظرفیت بالایی برای صادرات گاز برخوردار است. هدف از بررسی میزان ذخایر، تولید و مصرف انرژی ایران و ترکمنستان در این بخش از مقاله، درک جایگاه دو کشور در حوزه سوخت‌های فسیلی در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی بوده است. بر این اساس، دو کشور ایران و ترکمنستان در حوزه تولید گاز طبیعی، رقیب بالقوه یکدیگر به شمار می‌روند اما با این حال ظرفیت همکاری دو کشور در دو زمینه ترانزیت یا سوآپ گازی با هدف تامین کمبود گازی استان‌های شمالی ایران در فصول سرد سال وجود دارد.

۵. مسیرهای صادراتی انرژی ترکمنستان

ترکمنستان عملاً سه مسیر اصلی عملیاتی برای صادرات گاز خود دارد که عبارتند از مسیر چین که بزرگ‌ترین و مهم‌ترین مقصد محسوب می‌شود؛ سپس مسیر روسیه با حجم صادرات محدود و نهایتاً مسیر ایران با دو خط لوله که عمدتاً برای مصرف داخلی ایران و انجام سوآپ‌های منطقه‌ای به کار می‌رود. مسیرهای صادراتی به چین و روسیه و مسیرهای دیگری که فعلاً در مرحله طرح پیشنهادی هستند، در این بخش روشن خواهد شد.

الف) خط لوله آسیای مرکزی - چین^۱: اقتصاد عمدتاً به صادرات وابسته ترکمنستان تقریباً به طور کامل بر یک بازار (عمدتاً چین) و یک کالا (یعنی گاز طبیعی) متمرکز است. البته صادرات گاز این کشور به چین از مسیر دیگری از ازبکستان و قزاقستان نیز کمابیش انجام می‌گیرد. (Raimondi, 2019: 48) با این حال، این خط لوله هفت‌هزار کیلومتری، طولانی‌ترین خط لوله جهان به شمار می‌رود. در شرایط فعلی، تا زمانی که مسیرهای صادرات گاز ترکمنستان به ترکیه و هند تکمیل و عملیاتی شوند، این کشور همچنان به صورت قابل توجهی به مسیر صادراتی گاز به چین وابسته خواهد بود. در واقع چین از این نگرانی برخوردار است که

^۱. Central Asia-China Gas Pipeline

در صورت بروز هرگونه درگیری با ایالات متحده، نیروی دریایی برتر آن می‌تواند مسیرهای آبی چین را مسدود سازد و در چنین شرایطی، مسیرهای زمینی تنها گزینه مطمئن برای تضمین تأمین انرژی خواهند بود. این موضوع، انگیزه اصلی پکن برای تمرکز بر امنیت انرژی از رهگذر تامین زمینی گاز از مبدأ ترکمنستان است. (دیتل، ۱۴۰۱: ۱۹۵-۱۹۲)

ب) سامانه مرکزی خطوط لوله آسیای مرکزی^۱: خط لوله‌ای است که از ترکمنستان آغاز شده و با عبور از ازبکستان و قزاقستان در نهایت به روسیه می‌رسد و یکی از مسیرهای سنتی صادرات گاز این کشور است. البته رقابت‌های انرژی در آسیای مرکزی موجب شده است که ازبکستان و قزاقستان درصدد محدود کردن نقش ترکمنستان در این سامانه باشند. مواردی از جمله ظرفیت محدود این خط لوله و همچنین ادعاهای کشورهای عبوری بر حق استفاده بیشتر از آن، توان صادراتی ترکمنستان را کاهش داده است؛ برای نمونه، ازبکستان اعلام کرده بود بخشی از گاز خود را از همین مسیر صادر خواهد کرد و بدین ترتیب سهم ترکمنستان به حدود ۲۰ میلیارد متر مکعب در سال محدود خواهد شد. (دیتل، ۱۴۰۱: ۱۷۵) این تنها خط لوله گازی است که ترکمنستان تا دهه ۷۰ شمسی (دهه ۹۰ میلادی) به آن دسترسی داشت و به نوعی میراث شوروی محسوب می‌شود که گاز طبیعی را از شرق به جنوب سرزمین‌های شوروی و سپس به اروپا منتقل می‌کرده است. (Xushiyeva, 2022: 3) اکنون هم این خط لوله، گاز ترکمنستان را به شبکه گاز طبیعی گازپروم^۲ منتقل می‌کند و شاخه شرقی آن، گاز را از نزدیکی دریای خزر به شمال می‌رساند و شاخه غربی، گاز را از شرق ترکمنستان و جنوب ازبکستان به غرب قزاقستان هدایت می‌کند. (دیتل، ۱۴۰۱: ۱۸۵)

ج) و د) دو طرح دیگر خط لوله «تاپی» و «ترانس-کاسپین»^۳ نیز وجود دارند، البته خط تاپی هنوز اجرایی نشده است. خط لوله تاپی در سال‌های بعد از استقلال ترکمنستان، برای انتقال گاز این کشور از مسیر افغانستان و پاکستان به هند پیشنهاد شد که برآورد هزینه‌ای حدود هشت میلیارد دلار داشت. اما پس از به قدرت رسیدن طالبان در افغانستان در تابستان ۱۴۰۰ (۲۰۲۱م) تحقق این پروژه با چالش‌هایی روبه‌رو شده است، اگرچه ایالات متحده هم از پروژه به شدت حمایت کرده بود. پروژه مهم بعدی خط لوله ترانس-کاسپین است که در سال ۱۳۷۸ (۱۹۹۹م) پیشنهاد شد و ایالات متحده تمایل داشت تا از ساخت این خط لوله برای

¹. Central Asia–Center Pipeline (CAC)

². Gazprom

³. Trans-Caspian Pipeline (TCP)

انتقال گاز ترکمنستان به آذربایجان، گرجستان، ترکیه و نهایتاً به اروپا حمایت کند. اکنون این پروژه حمایت چین و اروپا را با خود به همراه دارد اما نبود یک رژیم قانونی جامع برای دریای خزر و خطرات زیست محیطی احتمالی دو نگرانی عمده در ساخت این خط لوله بوده است. (Xushiyeva, 2022: 3-5) خط ترانس-کاسپین با نام دیگر کریدور میانی^۱ با عبور از آذربایجان، منابع گاز ترکمنستان و دریای خزر را به ترکیه و در آینده به بازارهای اروپایی منتقل می‌کند. پیشروی این پروژه می‌تواند روسیه و ایران را از دسترسی به این مسیرها کنار بگذارد. هر دو کشور با استناد به محدودیت‌های قانونی و زیست‌محیطی خزر تأکید می‌کنند که بدون توافق تمامی کشورهای ساحلی، هیچ تصمیمی از جمله این پروژه نمی‌تواند اجرایی شود. (دیتل، ۱۴۰۱: ۱۸۶) اجرای کامل این خط لوله می‌تواند پیامدهای اقتصادی قابل توجهی برای ایران داشته باشد از جمله این که با توجه به وابستگی اقتصاد ایران به منابع انرژی، راه‌اندازی یک خط لوله رقیب و تأمین انرژی کشورهای اروپایی از طریق این مسیر از ترکمنستان به صورت دائمی می‌تواند سبب محدود شدن و حذف دائمی خریداران انرژی ایران شود. در این صورت ایران از مشارکت در پروژه‌های منطقه‌ای انرژی-محور دور می‌شود و جایگاه انرژی آن برای آینده قابل پیش‌بینی تضعیف می‌گردد. همچنین این پروژه با راهبرد ایالات متحده مبنی بر منزوی کردن ایران همسو است، سیاستی که با احتمال اجرای سایر خطوط لوله مانند تاپی نیز در آینده تقویت می‌تواند می‌شود. (Amirahmadian et al., 2024: 11)

شایان ذکر است که تاکنون، تنها علاقه چین به گاز آسیای مرکزی محدود به تحویل آن به سمت شرق و از طریق خطوط لوله به بازار چین بود، اما اکنون جدای از حمایت جدی دولت‌های اروپایی، یکی از شرکت‌های بزرگ دولتی چین (سینوپک)^۲ در قالب کنسرسیوم از خط لوله ترانس-کاسپین حمایت می‌کند تا گاز ترکمنستان را از طریق دریای خزر و جمهوری آذربایجان به اروپا منتقل کند. هدف از این نوع مشارکت سینوپک را می‌توان به دو دلیل اصلی نسبت داد: نخست، سنجش امکان صادرات گاز ترکمنستان به اروپا به صورتی که پکن می‌خواهد دریابد آیا گاز ترکمنستان در بازار اروپا آینده‌ای دارد یا خیر و در صورت وجود بازار، چین بتواند سهمی از پروژه به دست آورد و سهام بالادستی بیشتری در ترکمنستان کسب کند و در صورت نبود بازار، موقعیت مذاکره‌ای خود را برای واردات گاز ترکمنستان تقویت نماید. دلیل دوم، ارسال پیام رقابتی به روسیه است، زیرا حمایت سینوپک از ترانس-کاسپین می‌تواند

^۱. Middle Corridor

^۲. Sinopec

مقابله‌ای با تلاش‌های روسیه برای کنترل جریان گاز ترکمنستان و محدود کردن چین باشد. دلیل سوم، تثبیت جایگاه چین در بازار انرژی آسیای مرکزی است، به گونه‌ای که حتی حضور در مرحله مطالعه امکان‌سنجی این پروژه، چین را در موقعیت اقتصادی و مذاکره‌ای قوی‌تری نسبت به روسیه قرار می‌دهد. (Lelyveld, 2019) از طرفی چین برای خود پیش‌بینی می‌کند که مسیر تجاری‌اش از طریق روسیه به اروپا به دلیل جنگ روسیه و اوکراین با محدودیت‌های جدی مواجه خواهد بود و مسیر دریایی از طریق تنگه مالاکا نیز همچنان با ریسک‌های ژئوپلیتیکی و زنجیره ارزش بالا همراه است. در این میان، راه‌گذر میانی برای چین امن‌تر به شمار می‌آید، زیرا از کشورهایی مانند افغانستان، روسیه و ایران که چین آن‌ها را دربردارنده ریسک می‌پندارد و همچنین از نقاط گلوگاهی مانند تنگه مالاکا، عبور نمی‌کند و در نتیجه احتمال اختلال در آن کمتر است. (Chourasia, 2023) در این بخش، مسیرهای صادراتی فعلی و پیشنهادی انرژی ترکمنستان بررسی شد. در بخش بعدی، مزیت جغرافیایی ایران برای صادرات و ترانزیت انرژی ترکمنستان مطرح خواهد شد، مزیتی که می‌تواند این کشور را به رقیبی جدی و تأثیرگذار در برابر مسیرهای معرفی شده تبدیل نماید.

۶. مزیت جغرافیایی ایران در رفع چالش ژئوپلیتیکی ترکمنستان

همان‌طور که در تصویر ۱ مشاهده می‌شود یکی از مهم‌ترین چالش‌های کشورهای آسیای مرکزی پس از کسب استقلال، موقعیت جغرافیایی آن‌هاست به گونه‌ای که محصور در خشکی^۱ هستند و هیچ‌گونه دسترسی مستقیم به آب‌های آزاد ندارند. به ویژه اینکه کشورهایی مانند ترکمنستان و قزاقستان از منابع غنی نفت خام و گاز طبیعی برخوردارند. این وضعیت جغرافیایی، محدودیت‌هایی در زمینه تجارت بین‌المللی، دسترسی به بازارهای جهانی و بهره‌برداری از ظرفیت‌های ترانزیتی این کشورها ایجاد کرده است و مهم‌ترین مانع مسیر صادرات این کشورها است (Shibasaki et al., 2021: 196-197). ترکمنستان تنها از سمت غرب به دریای خزر راه دارد که این پهنه آبی نیز خود ماهیتی بسته دارد. از طرفی اختلافات این کشور با دیگر دولت‌های ساحلی بر سر رژیم حقوقی خزر نیز تاکنون ادامه داشته و مانعی جدی در مسیر ترانزیت انرژی محسوب شده است. (دیتل، ۱۴۰۱: ۱۷۴) همان‌طور که اشاره شد ترکمنستان پس از استقلال، تعدادی خطوط لوله برای صادرات گاز طبیعی‌اش طراحی و اجرا

^۱. Landlocked

کرده، اما صعوبت دسترسی به بازارهای جهانی و منطقه‌ای به دلیل موانعی مانند عبور خطوط از چندین کشور، مسافت طولانی و نبود صرفه اقتصادی، این طرح‌ها را با چالش مواجه کرده است. (Allamyradov, 2022: 4-5)

تصویر ۱: نقشه پنج کشور آسیای مرکزی



منبع: (Walker, 2025)

ترکمنستان در سال‌های اخیر تلاش کرده است تا با استفاده از طرح‌هایی مانند احداث خطوط لوله و سوآپ، صادرات گاز طبیعی خود را گسترش دهد، اما تفاوت این کشور نسبت به دیگر کشورهای آسیای مرکزی، هم‌مرزی با ایران است. در واقع باید ادعان داشت که موقعیت جغرافیایی خاص ایران و قرارگیری در محل پیوند شرق و غربی آسیا، اروپا و آفریقا و همچنین دسترسی هم‌زمان به آب‌های خلیج فارس و دریای خزر سبب شده ترکمنستان علاقمند به همکاری با ایران در حوزه انتقال انرژی باشد. زیرا علاوه بر دسترسی، امنیت این مسیرها در صورت عبور از ایران نیز نکته‌ای در خور توجه است، چرا که عشق‌آباد بیشترین دغدغه را در مسیر ترانزیت انرژی‌اش، نسبت به بی‌ثباتی داخلی همسایگانش مانند افغانستان و تهدیدهای ناشی از ناامنی مسیرهای انتقال انرژی دارد. (دیتل، ۱۴۰۱: ۱۸۱) بنابراین سرمایه‌گذاری در احداث خطوط لوله از مسیری غیر از ایران می‌تواند آسیب‌پذیری‌های خاص خود را به همراه

داشته باشد. عبور خط لوله انتقال گاز طبیعی از چند کشور مانند مسیر پیشنهادی افغانستان-پاکستان-هند، علاوه بر مشکلات اقتصادی و سیاسی احتمالی دارای شرایط سخت و ریسک‌های محتمل و فراوانی است. به دلایل ذکر شده، به نظر می‌رسد که مسیر ایران، می‌تواند مسیری مناسب با مزیت پایدار برای صادرات گاز طبیعی ترکمنستان باشد.

الف) راه‌گذر بین‌المللی شمال - جنوب^۱: راه‌گذر بین‌المللی شمال - جنوب یک شبکه حمل‌ونقل چندوجهی به طول حدودی هفت هزار کیلومتر است که شامل راه‌آهن، آبراه‌ها و بزرگراه‌هایی است که گزینه‌ای کوتاه‌تر و جایگزین برای ارتباط جنوب آسیا با شمال اروپا است و با عبور از ایران، اقیانوس هند و خلیج فارس را به دریای خزر پیوند می‌دهد و سپس از طریق سن‌پترزبورگ به سمت اروپای شمالی و غربی امتداد پیدا می‌کند. (Vinokurov et al., 2009)

این راه‌گذر پس از توافق بین هند، ایران و روسیه در ۱۲ سپتامبر ۲۰۰۰ (۲۲ شهریور ۱۳۷۹) به عنوان اعضای بنیان‌گذار این طرح، در ژانویه ۲۰۱۸ (دی ۱۳۹۶) عملیاتی شد، اما با این وجود برای عملکرد کامل این پروژه، چند سال دیگر زمان نیاز است؛ زیرا برخی بخش‌های مهم راه‌گذر هنوز متصل نشده‌اند. این راه‌گذر سه مسیر غربی، میانی و شرقی دارد که مسیر شرقی آن، مناطق مرکزی و شرقی روسیه را از طریق قزاقستان و ترکمنستان به بنادر جنوبی ایران و همچنین به هند و کشورهای عربی خلیج فارس متصل می‌کند. قطار باری در این شاخه شرقی پس از عبور از مرز در سرخس (مرز ایران و ترکمنستان)، مسیر خود را از داخل ایران تا بندرعباس ادامه می‌دهد؛ جایی که کالاها از طریق کشتی به هند منتقل می‌شوند. (Kaleji, 2023)

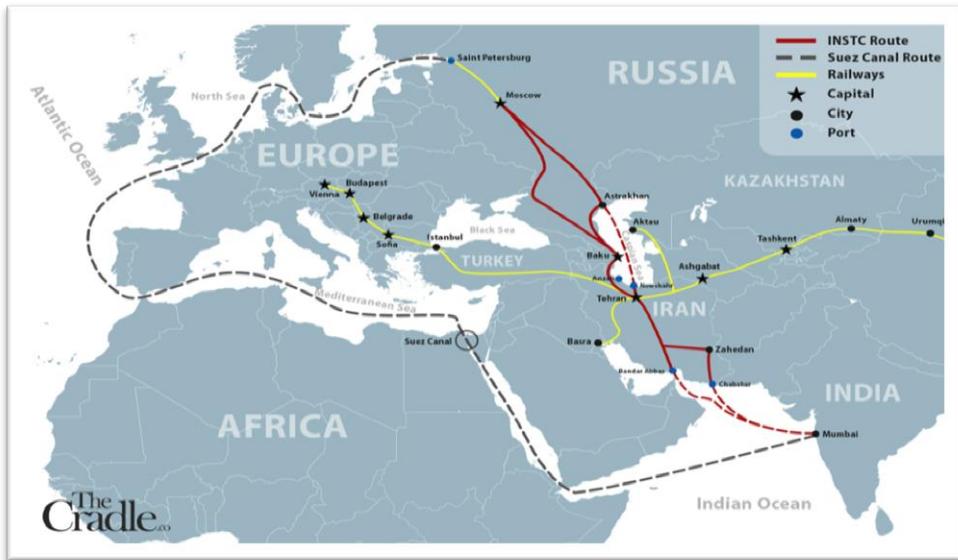
این مسیر در خرداد ۱۴۰۱ (ژوئیه ۲۰۲۲م) با ورود سی و نه کانتینر از روسیه به ایران از طریق سرخس افتتاح شد. علاوه بر این، پیشنهاد اتصال بندر چابهار به این مسیر از طریق زاهدان، سرخس و عشق‌آباد توسط هند داده است. بنابراین شاخه شرقی راه‌گذر شمال-جنوب اکنون یک واقعیت عملیاتی است. (Chaudhury, 2017)

به نظر می‌رسد که راه‌گذر بین‌المللی شمال - جنوب با عبور از بندر امیرآباد و همچنین شهر سرخس در مرز مشترک ایران و ترکمنستان، می‌تواند گزینه‌ای مناسب برای صادرات گاز ترکمنستان از طریق خط لوله یا حتی در قالب صادرات ال‌ان‌جی^۲ در آینده نزدیک در صورت احداث زیرساخت لازم باشد تا این کشور گاز خود را به بازارهای مختلف با هزینه پایین‌تر و زمان انتقال سریع‌تر صادر کند.

^۱ International North-South Transport Corridor

^۲ LNG: Liquefied Natural Gas

تصویر ۲: موقعیت راه‌گذر بین‌المللی شمال - جنوب



منبع: (Escobar, 2023)

ب) بندر چابهار: بندر چابهار، واقع در ساحل مکران در امتداد خلیج عمان در جنوب غربی ایران، تنها بندر ایرانی است که دسترسی مستقیم به اقیانوس دارد. این بندر ۶۳۰ کیلومتر از زاهدان و ۱,۸۲۷ کیلومتر از سرخس که در مسیر شرقی راه‌گذر شمال- جنوب در مرز ترکمنستان قرار گرفته فاصله دارد (Roy, 2015). این بندر به عنوان مسیر ترانزیتی به افغانستان و کشورهای آسیای مرکزی در حال توسعه است و به عنوان یک «دروازه طلایی» برای آسیای مرکزی توصیف می‌شود (Roy, 2015). در ژوئن ۲۰۱۶ (خرداد ۱۳۹۵) ایران و هند یادداشت تفاهمی درباره مشارکت هند در توسعه فاز نخست بندر شهید بهشتی چابهار امضا کردند و قرارداد تجهیز و بهره‌برداری پایانه‌های بندر میان شرکت هندی آی‌پی‌جی ال^۱ و طرف ایرانی امضا شد و همچنین در سال ۲۰۲۴م (۱۴۰۳) قرارداد ده ساله عملیاتی برای تجهیز و بهره‌برداری از بندر شهید بهشتی منعقد شد. (Ministry of External Affairs, 2024). در واقع برای به حداکثر رساندن ظرفیت راه‌گذر شمال- جنوب، دهلی‌نو پیشنهاد داده است که بندر چابهار از طریق سرخس و عشق‌آباد در مسیر راه‌گذر گنجانده شود که در صورت تکمیل پروژه،

^۱. IPGL

فاصله از روسیه به بمبئی از طریق سرخس و چابهار (۵۶۲۷ کیلومتر) حدود پانصد کیلومتر کمتر از مسیر موجود خواهد بود. با این حال، چابهار حتی بدون اتصال به راه‌گذر بین‌المللی شمال - جنوب می‌تواند به دولت‌های آسیای مرکزی دسترسی آزاد به دریا بدهد (Suhasini, 2021). بنابراین دسترسی این بندر به آب‌های آزاد، زیرساخت‌های در حال توسعه و موقعیت راهبردی آن در کنار اقیانوس هند و نزدیک به کشورهای بزرگ مصرف‌کننده انرژی مانند هند و پاکستان، باعث می‌شود که این بندر یکی از بهترین گزینه‌ها برای تسهیل صادرات گاز و نفت ترکمنستان و یا اجرای طرح‌های سوآپ با این کشور باشد. در این بخش، مزیت ژئوپلیتیکی ایران برای رفع چالش‌های صادرات انرژی ترکمنستان مورد بررسی قرار گرفت، مزیتی که می‌تواند در طراحی و تعریف پروژه‌های ترانزیت انرژی میان دو کشور در آینده مدنظر قرار گیرد. در بخش بعدی، پروژه‌های اجرایی شده تاکنون در حوزه ترانزیت انرژی بین ایران و ترکمنستان مورد ارزیابی قرار خواهند گرفت.

۷. ظرفیت‌سازی انرژی در سیاست خارجی ایران در قبال ترکمنستان از طریق اجرای پروژه‌های مشترک

ترکمنستان به عنوان یکی از تولیدکنندگان عمده گاز اما با گزینه‌های صادراتی محدود، می‌تواند از همکاری با ایران برای رفع این محدودیت‌ها بهره‌مند شود؛ ایران هم با توجه تقاضای داخلی در مناطق شمالی خود و امکان سوآپ گازی، نزدیکی به کشورهای مصرف‌کننده انرژی، دسترسی به آب‌های بین‌المللی و بازار جهانی و نهایتاً با تکیه بر تجربه قابل توجه در خدمات مهندسی نفت و گاز و دانش فنی و تخصصی در این حوزه، می‌تواند زمینه‌های همکاری مناسبی بر اساس منفعت متقابل با عشق‌آباد فراهم کند. با یادآوری اینکه پس از استقلال ترکمنستان در مهر ۱۳۷۰ (سپتامبر ۱۹۹۱م)، ایران کهی یکی از اولین کشورهایی بود که آن را به رسمیت شناخت و در پی آن سفارت خود را در عشق‌آباد بازگشایی نمود، می‌تواند بستر صادرات گاز ترکمنستان به ترکیه و اروپا را تسهیل و تأمین کند که علاوه بر توسعه اقتصادی، وابستگی ترکمنستان به روسیه را برای انتقال گاز هم کاهش خواهد داد. (Xushiyeva, 2022: 2).

الف) احداث خطوط لوله گاز دوجانبه و سوآپ گازی: یکی از مشکلات ژئواکونومیکی قابل ملاحظه ایران در بخش گاز، این است که حدود دو سوم ذخایر گازی آن در میادین جداگانه و دور از یکدیگر قرار دارند که نیاز به تأسیسات اکتشافی گران‌قیمت جداگانه دارند.

علاوه بر این، تولید و مصرف گاز در ایران در سه دهه گذشته به سرعت رشد کرده و گاز طبیعی اغلب برای تزریق مجدد به میادین نفتی جهت افزایش بهره‌وری تولید نفت استفاده می‌شود. در واقع ذخایر عمده گازی ایران در جنوب کشور قرار گرفته‌اند، در حالی که جمعیت با مصرف گاز عمده‌ای هم در استان‌های شمالی آن وجود دارد. این بدان معناست که گاز باید به شمال منتقل شود اما دارای مشکلاتی نظیر افت فشار و در نتیجه هزینه بالای انتقال و فناوری پیشرفته‌تر برای انتقال گاز با فشار مناسب است. یکی از راه‌حل‌ها، انتقال گاز از کشورهای همسایه شمالی مانند ترکمنستان است که این گزینه از نظر اقتصادی به‌صرفه‌تر از ساخت خط لوله جدید در مسیر جنوب به شمال ایران است. در واقع سرعت رشد جمعیت در ایران بالاست و توسعه بخش انرژی عقب‌تر از میزان تقاضا حرکت می‌کند. (دیتل، ۱۴۰۱: ۱۹۳) بنابراین مناطق شمالی ایران به دلیل کمبود گاز به ویژه در فصول سرد سال دچار مشکل می‌شوند و برای حل آن، ایران در مقطعی تصمیم گرفت که از ترکمنستان گاز خریداری کند و متعاقباً ساخت نخستین خط لوله بین دو کشور برنامه‌ریزی شد. پس از مذاکرات طولانی در دهه ۷۰ شمسی (دهه ۹۰ میلادی)، یک توافق بیست و پنج ساله در سال ۱۳۷۴ (۱۹۹۵م) امضا شد. این خط لوله به نام «کورپچه-کردکوی»^۱ با طول دویست کیلومتر و قطر هزار میلی‌متر شناخته می‌شود که ساخت آن دو سال طول کشید و در سال ۱۳۷۶ (۱۹۹۷م) با حضور رؤسای جمهور دو کشور افتتاح شد. برای سال ۱۳۷۷ (۱۹۹۸م) ارسال سالانه هشت میلیارد متر مکعب گاز برنامه‌ریزی شده بود. نیمی از هزینه این پروژه از سوی ایران به‌صورت وام تأمین شد و بازپرداخت آن از محل فروش گاز به ایران انجام می‌گیرد. (Begjanov, 2021: 71) با این حال با وجود این نوع از همکاری‌ها روابط ایران و ترکمنستان با فراز و نشیب‌هایی همراه بوده است. در سال‌های اخیر، یکی از عوامل اصلی اختلاف میان دو کشور، مسائل مرتبط با قیمت‌گذاری گاز طبیعی بوده است. خط لوله انتقال گاز کورپچه-کردکوی برای انتقال گاز به مناطق شمالی ایران در سال ۱۳۸۳ (۲۰۰۴م) با انتقال چهار میلیارد متر مکعب و در سال ۱۳۸۴ (۲۰۰۵م) به ظرفیت انتقال هشت میلیارد متر مکعب رسید که بالاترین سقف قرارداد تولید در قرارداد ایران و ترکمنستان بود. با بهره‌برداری از این خط لوله، نیاز استان‌های شمالی ایران کامل برطرف می‌شد. اما از سال ۱۳۸۶ (۲۰۰۷م)، ترکمنستان یک باره با قطع گاز، به دلیل افزایش بهای منطقه‌ای و جهانی گاز، مبلغ نه برابر رقم ثبت شده در قرارداد را طلب کرد. مجدداً در سال

^۱. Korpeje-Kordkuy Pipeline

۱۳۹۶ (۲۰۱۷م) نیز، شرکت ترکمن گاز صادرات گاز به ایران را به دلیل ادعای طلب ۱.۸ میلیارد دلاری از شرکت ملی گاز ایران برای صادرات در سال های ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۶ (۲۰۰۶ و ۲۰۰۷م) قطع کرد که ایران این ادعا را هم قبول نداشت و موضوع به داوری بین‌المللی ارجاع شد. (Shayan & Basiri, 2023: 253) در دوره دولت یازدهم جمهوری اسلامی ایران، وزارت نفت ایران اعلام کرد که گاز صادراتی ترکمنستان به ایران از کیفیت لازم برخوردار نیست. همچنین، این وزارت‌خانه بدهی‌های ادعایی ترکمنستان در زمینه بهای گاز را نپذیرفت و خواستار ارجاع موضوع به داوری شد. این اختلافات در سال ۱۳۹۶ (۲۰۱۷م) به قطع صادرات گاز ترکمنستان به ایران و افت فشار گاز و بروز مشکلاتی در مناطق شمالی ایران طی فصل زمستان منجر شد. (دنیای اقتصاد، ۱۳۹۷) پس از روی کار آمدن دولت سیزدهم در ایران، وزارت نفت ایران با انجام مذاکرات با ترکمنستان، تلاش کرد تا اختلافات مربوط به بدهی‌ها و بهای گاز را حل و فصل کند. در نهایت، دو کشور به توافقی برای بازپرداخت بدهی‌ها دست یافتند و صادرات گاز ترکمنستان به ایران از سر گرفته شد. در واقع می‌توان نتیجه گرفت که اختلافات بین ایران و ترکمنستان معمولاً محدود به حوزه پرداخت و قیمت‌گذاری بوده و تأثیر مخرب و اساسی بر روابط دو کشور نداشته است. در واقع این نوع از اختلافات مثل توقف موقت صادرات گاز ترکمنستان که در فروردین ۱۳۹۷ (مارس ۲۰۱۸م) حل شد، در سطح شرکت‌های ملی دو طرف باقی ماند و تلاش شد به مشکل اصلی بین دولت‌ها بدل نشود. (Begjanov, 2021: 71) با این حال، این خط لوله اهمیت خاص خود را در بر داشته است زیرا ترکمنستان را به اولین جمهوری پسا شوروی تبدیل کرد که گاز خود را از طریق خط لوله‌ای غیرروسی صادر می‌کرد. یعنی این نوع از همکاری برای ترکمنستان در چارچوب ژئوپلیتیک انرژی و ژئواکونومی، علاوه بر مزیت اقتصادی، دربردارنده مزیت راهبردی و سیاسی نیز بود. از طرفی با توجه به اینکه این پروژه با وجود مخالفت واشنگتن و موانع گاه به گاه مسکو تکمیل می‌شد، می‌توان آن را موفقیتی برای ایران تلقی کرد. (دیتل، ۱۴۰۱: ۱۸۲)

در زمینه عملیات سوآپ گاز بین ایران و ترکمنستان نیز علیرغم موانعی که وجود داشته، همکاری بین دو کشور این زمینه در گذشته ادامه پیدا کرده بود. فاز اول خط لوله دوم گاز ترکمنستان به ایران با نام خط لوله دولت‌آباد- سرخس- خانگیران^۱ در دی ۱۳۸۸ (ژانویه ۲۰۱۰م) تکمیل شد و با اتمام فاز دوم در آبان ۱۳۸۹ (نوامبر ۲۰۱۰م)، ظرفیت این خط لوله به

^۱. Dovletabad-Sarakhs-Khangiran Pipeline

هجده میلیارد متر مکعب در سال رسید که بسیار بیشتر از خط لوله اول است. این خط لوله به طول ۱۰۲۴ کیلومتر، شبکه‌های گازی دو کشور را به هم متصل کرد. در نتیجه، ایران نه تنها توانست گاز مناطق شمال شرقی خود را تأمین کند، بلکه امکان سوآپ گاز و صادرات گاز طبیعی به شرق آسیا و اروپا نیز برایش فراهم شد. (Atai & Azizi, 2012: 754) از طرفی در سال ۱۴۰۰ (۲۰۲۱م) یک قرارداد سه‌جانبه سوآپ گازی دیگری میان ایران، ترکمنستان و آذربایجان امضا شد. بر اساس این قرارداد، ایران سالانه دو میلیارد مترمکعب گاز ترکمنستان را به آذربایجان منتقل می‌کند. ترکمنستان نیز پس از امضای این قرارداد، تمایل خود را برای دو برابر کردن حجم صادرات گاز از طریق این قرارداد اعلام کرد. (Egeresi, 2023: 67-68) بنابراین به نظر می‌رسد ایران می‌تواند به عنوان کشور ترانزیتی برای گاز ترکمنستان عمل کند و ظرفیت سامانه خط لوله شمالی خود را افزایش دهد. همچنین ترکمنستان می‌تواند خط لوله‌ای به تبریز بسازد و با خط لوله تبریز-دوغوبایزیت^۱ ایران متصل شود تا گاز خود را از طریق خط تاناب^۲ به ترکیه و اروپا منتقل کند. (Mostajabi, 2017) اما یکی از مهمترین قسمت از زنجیره همکاری‌های انرژی‌محور ایران و ترکمنستان در چارچوب ژئوپلیتیک انرژی و ژئواکونومی، سوآپ گازی است که زیرساخت آن آماده است. در ۱۳ تیر ۱۴۰۳ (۳ ژوئیه ۲۰۲۴م)، دو کشور قرارداد صدور و سوآپ گاز تا حجم ده میلیارد متر مکعب در سال امضا کردند و در سفر همان سال رهبر ملی مردم ترکمنستان^۳ به تهران یادداشت تفاهم همکاری‌های گازی بین دو کشور به امضا رسید. انتظار می‌رود در سال‌های آینده حجم همکاری‌های گازی بین دو کشور تا چهل میلیارد متر مکعب در سال نیز افزایش یابد (روزبهرانی، ۱۴۰۳). در جدول ۴ به پروژه‌های خط لوله بین ایران و ترکمنستان در چارچوب ژئوپلیتیک انرژی و ژئواکونومی که می‌تواند برای سوآپ نیز استفاده شود و تاکنون اجرا شده یا در مراحل پیش از اجرا می‌باشد، اشاره شده است. شایان ذکر است که در چشم انداز واردات و یا ترانزیت گاز از ترکمنستان، این کشور تهدیدی جدی برای اهداف صادراتی ایران محسوب نمی‌شود زیرا گزینه‌های صادراتی ترکمنستان محدودیت دارد؛ به گونه‌ای که این کشور تنها امکان ارسال گاز به روسیه و چین از مسیر قزاقستان را دارد یا باید با استفاده از خطوط لوله جدید از طریق ایران یا افغانستان به پاکستان و هند متصل شود. از این رو، به جز بازار چین که ظرفیت کافی برای جذب حجم‌های بالای گاز هر دو کشور

^۱. Tabriz-Dogubayazit gas Pipeline

^۲. TANAP: Trans-Anatolian Natural Gas Pipeline

^۳. قربانقلی بردی محمداف

ایران و ترکمنستان دارد، رقابت معناداری میان دو کشور در دیگر بازارها شکل نمی‌گیرد. (کریمی، ۱۴۰۲: ۱۳۹)

جدول ۴: پروژه‌های خط لوله بین ایران و ترکمنستان

وضعیت پروژه	نام خط لوله	ظرفیت سالانه (میلیارد مترمکعب)	طول (کیلومتر)	سال بهره‌برداری	مسیر اصلی
بهره‌برداری	کورپچه - کردکوی	۸	۲۰۰	۱۳۷۶ (م۱۹۹۷)	کورپچه - کردکوی
بهره‌برداری	دولت‌آباد - سرخس - خانگیران	۶ تا ۱۲	۱۰۲۴	۱۳۸۹ (م۲۰۱۰)	دولت‌آباد - سرخس
عدم اجرای موقت	سوآپ ترکمنستان - ایران - آذربایجان	تا ۱۰ (قابل افزایش تا ۴۰)	-	۱۴۰۳ (م۲۰۲۴)	کورپچه - سرخس - آستارا
مطالعه امکان‌سنجی/په یشنهاد	خط پیشنهادی ترکمنستان به تبریز و اتصال به خط تاناپ و اروپا	-	-	-	میادین‌گازی ترکمنستان - سرخس تبریز - دوغوبازیت (ترکیه) - خط لوله تاناپ - اروپا

منبع: یافته‌های پژوهش

ب) احداث خطوط لوله نفت چندجانبه و سوآپ نفتی: یکی از پروژه‌های مهم برنامه‌ریزی شده بین دو کشور، پروژه ترانزیت نفت از طریق خط لوله قزاقستان-ترکمنستان-ایران^۱ بود. این خط لوله به طول حدود هزار و پانصد کیلومتر و با ظرفیت یک میلیون بشکه در روز، قرار بود نفت قزاقستان و ترکمنستان را از طریق جزیره خارک در خلیج فارس به بازارهای بین‌المللی منتقل کند، اما به دلیل فشارهای ایالات متحده به ثمر نرسید. در پروژه دیگری برای

^۱. Kazakhstan- Turkmenistan – Iran (KTI Pipeline)

سوآپ نفت که با قزاقستان اجرا شد، نفت از طریق تانکر به بندر نکا در شمال ایران منتقل و از طریق خط لوله نکا-ری به پالایشگاه‌های تبریز و تهران ارسال می‌گردید. (Atai & Azizi, 751: 2012) بر اساس توافق سوآپ نفتی ایران و قزاقستان در سال ۱۳۷۵ (۱۹۹۶م)، ایران معادل همان مقدار نفت را از طرف قزاقستان در خلیج فارس تحویل می‌داد. با این حال، تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران موجب بروز مشکلاتی در انجام عملیات سوآپ شد و در مقاطع مختلف تحویل‌ها متوقف گردید. در سال ۱۳۸۴ (۲۰۰۵م) کشورهای مذکور عملیات سوآپ را از سر گرفتند، اما در سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰ میلادی) دولت وقت ایران به صورت یک جانبه این پروژه را متوقف کرد. این اقدام پیامدهای گسترده‌ای در پی داشت و منجر به طرح دعاوی حقوقی از سوی برخی شرکت‌های خارجی ذی‌نفع، از جمله شرکت کاسپین اویل^۱ علیه وزارت نفت ایران شد. شرکت یاد شده خواستار دریافت نود و هفت میلیون دلار غرامت گردید و با وجود رسیدگی حدود دو تا سه سال به این پرونده، در نهایت شرکت نیکو و وزارت نفت توانستند میزان پرداختی را کاهش دهند و نهایتاً شرکت ایرانی نیکو ملزم به پرداخت ۵/۵ میلیون دلار غرامت شد. این مبلغ جدای از سه تا چهار میلیون دلار هزینه‌های جانبی شامل حق‌الوکاله، هزینه‌های دادگاه و دادرسی بود (موسوی، ۱۳۹۵). لغو یک‌جانبه این قرارداد سوآپ از سوی ایران علاوه بر خسارات مالی، موجب بلااستفاده ماندن خط لوله نکا-ری که حدود صد و هفتاد میلیون دلار برای احداث آن هزینه شده بود، گردید و در نتیجه سبب فرسودگی و استهلاک آن به دلیل عدم بهره‌برداری طولانی مدت شده است. همچنین، منافع اقتصادی حاصل از سوآپ از جمله درآمدهای ترانزیت، کارمزد و اشتغال‌زایی محلی از میان رفت. از سوی دیگر، این اقدام پیامدهای راهبردی و ژئوپلیتیکی قابل توجهی داشت؛ از جمله تضعیف اعتبار ایران در میان شرکت‌های نفتی بین‌المللی و کشورهای حوزه خزر، کاهش اعتماد سوآپرها^۲ به ایران به‌عنوان مسیر مطمئن ترانزیت و از دست رفتن جایگاه رقابتی کشور در برابر مسیرهای جایگزین نظیر خط لوله باکو-تفلیس-جیحان، خط لوله قزاقستان-روسیه-چین و سایر خطوط روسیه در شمال دریای خزر (آستانه، ۱۳۹۳). با این حال در مهر ۱۳۹۴ (اکتبر ۲۰۱۵م) در پی لغو بخشی از تحریم‌ها، قزاقستان بار دیگر سوآپ نفت خام با ایران را از سر گرفت. (Orazgaliyev et al., 13: 2017) شایان ذکر است که از مزایای سوآپ نفتی از طریق ایران این است که کشورهای حوزه خزر می‌توانند بدون نیاز به سرمایه‌گذاری‌های کلان در خطوط لوله‌ای که از چندین کشور

¹. Caspian Oil

². Swapper

عبور می‌کند، نفت خام خود را به بازارهای بین‌المللی صادر کنند. علاوه بر این، هزینه‌های پایین‌تر، حداکثر درآمد به ازای هر بشکه را تضمین می‌کند. این گزینه از نظر هزینه‌های ترانزیت و صرفه‌جویی در سرمایه‌گذاری‌های پرهزینه برای خط لوله مستقیم، اقتصادی‌ترین گزینه به شمار می‌آید.

ج) سرمایه‌گذاری برای توسعه: در یک چارچوب کلی‌تر، ایران در سال‌های پس از فروپاشی شوروی با هدف تبدیل شدن به مسیر اصلی ترانزیت نفت و گاز منطقه دریای خزر، مرکز تولید و توزیع انرژی منطقه‌ای، سرمایه‌گذار عمده در اکتشاف میادین گازی جدید ترکمنستان، بازیگر اصلی تولید و بازاریابی جهانی انرژی و همچنین به عنوان مبتکر و مؤسس مجمع کشورهای صادرکننده گاز^۱، تلاش کرد روابط با ترکمنستان را تقویت کند. این همکاری با اجرای پروژه‌های مشترک دیگری مانند ساخت واحد تولید بنزین در پالایشگاه ترکمن‌باشی و سرمایه‌گذاری بیش از پانصد میلیون دلار در بخش انرژی این کشور، ادامه داشته است. ایران همچنین پروژه‌های کوچک‌تری با ترکمنستان تکمیل کرده است، از جمله واحد پالایشگاه گاز کورپچه (۲۰۰ میلیون دلار)، پایانه‌های گاز مایع (۳۳ میلیون دلار) و ایستگاه کمپرسور گاز کورپچه (۱۶۰ میلیون دلار) (Atai & Azizi, 2012: 750-754)

د) همکاری از طریق سازمان همکاری اکو: حضور ایران و ترکمنستان در سازمان همکاری اقتصادی (اکو) در کنار سایر کشورهای آسیای مرکزی، جنوبی و منطقه قفقاز، ظرفیت مهمی برای توسعه همکاری‌های انرژی‌محور منطقه‌ای فراهم می‌کند. این سازمان که دبیرخانه آن در تهران مستقر است، از اوایل دهه ۱۳۸۰ (۲۰۰۰م) تاکنون چندین نشست وزرای انرژی برگزار کرده است. در نشست‌های سال‌های ۱۳۷۹ (۲۰۰۰م)، ۱۳۸۹ (۲۰۱۰م) و ۱۳۹۰ (۲۰۱۲م)، اعضا طرح‌های پنج‌ساله‌ای برای گسترش همکاری در حوزه انرژی و ایجاد بازار مشترک نفت، گاز و برق تدوین کردند. این روند در نهایت به تصویب «راهبرد همکاری انرژی اکو ۲۰۲۰-۲۰۳۰» در سال ۱۴۰۰ (۲۰۲۱م) انجامید (ECO Organization, 2021: 6) که در اردیبهشت ۱۴۰۳ (مه ۲۰۲۴م) نیز تأیید نهایی شد. در این سند بر نقش گاز طبیعی به عنوان سوخت گذار و بر لزوم تسهیل اجرای پروژه‌های خطوط لوله و تجارت انرژی میان کشورهای

^۱. Gas Exporting Countries Forum (GECF)

عضو تأکید شده است. (ECO Organization, n.d.) با این حال علیرغم وجود این چارچوب‌های راهبردی، اجرای عملی پروژه‌های مشترک انرژی در قالب سازمان اکو چندان موفق نبوده است. بسیاری از طرح‌های خطوط لوله در سطح پیشنهاد باقی مانده‌اند و اختلافات ژئوپلیتیکی، اقتصادی و فنی میان اعضا مانع تحقق آنها شده است. برای نمونه، رقابت ایران و ترکیه در زمینه مسیرهای صادرات انرژی از جمله پروژه خط لوله باکو-تفلیس-جیحان که با حمایت ترکیه و غرب اجرا شد و ایران را از مسیر انتقال نفت دریای خزر کنار گذاشت، سبب شد تا همکاری‌های منطقه‌ای اکو در حوزه نفت و گاز عملاً تحت تأثیر منافع ملی و رقابت‌های ژئواکونومیکی اعضا قرار گیرد. علاوه بر آن، می‌توان گفت کشورهای آسیای مرکزی در عمل همکاری‌های دوجانبه با چین، روسیه و ترکیه را بر همکاری‌های چندجانبه در چارچوب اکو ترجیح داده‌اند. در مجموع، هرچند سازمان اکو از نظر نهادی توانسته اسناد راهبردی معتبری همچون «سند همکاری انرژی ۲۰۳۰»^۱ تدوین کند، اما نهایتاً فقدان سازوکارهای اجرایی الزام‌آور، رقابت بر سر مسیرهای ترانزیتی و ناهمگونی منافع ملی کشورهای عضو موجب شده است که نقش این سازمان در تحقق پروژه‌های انتقال نفت و گاز، بیشتر در چارچوب هماهنگی و گفت‌وگو باقی بماند تا اجرای عملی. پس از بررسی مزیت‌های ژئوپلیتیکی ایران در تعریف همکاری‌های انرژی‌محور با ترکمنستان در بخش قبلی و ارزیابی پروژه‌های اجرا شده تاکنون، در بخش بعدی به چالش‌های عمده موجود در همکاری‌های انرژی‌محور میان دو کشور پرداخته خواهد شد.

۸. چالش‌های همکاری انرژی‌محور میان ایران و ترکمنستان

الف) وضعیت حقوقی دریای خزر: دریای خزر با مساحت سی صد و هفتاد هزار کیلومتر مربع که تا پیش از فروپاشی شوروی میان ایران و شوروی مشترک بود، پس از فروپاشی شوروی و با ایجاد پنج کشور ساحلی جدید، وضعیت پیچیده‌تری پیدا کرد. ایران و ترکمنستان به صورت مشترک معتقدند که وضعیت دریای خزر باید به عنوان یک دریاچه شناخته شود، در حالی که دیگر کشورهای ساحلی مانند قزاقستان، آذربایجان و روسیه از این مفهوم حمایت می‌کنند که این آبراه باید به عنوان یک دریای آزاد در نظر گرفته شود. زیرا اگر خزر به عنوان یک «دریا» شناخته شود، موضوع قوانین بین‌المللی دریاها قرار خواهد گرفت که به کشورهای غیرساحلی نیز اجازه دسترسی به منابع آن را می‌دهد. اما اگر به عنوان «دریاچه» در نظر گرفته

^۱. ECO Strategy For Energy Cooperation 2030

شود، منابع آن باید به طور مساوی بین کشورهای ساحلی تقسیم گردد. ایران و ترکمنستان با تأکید بر اینکه خزر باید به عنوان دریاچه شناخته شود، مخالف توافق سه‌جانبه‌ای هستند که کشورهای روسیه، قزاقستان و آذربایجان به آن رسیده‌اند. (Xushiyeva, 2022: 3) البته در مرداد ۱۳۹۷ (اوت ۲۰۱۸م)، پس از بیست سال تداوم اختلاف نظر پیرامون وضعیت حقوقی دریای خزر، هر پنج کشور ساحلی این دریا به شمول روسیه، ایران، جمهوری آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان، کنوانسیون درباره وضعیت حقوقی دریای خزر امضا کردند. این کنوانسیون وضعیت حقوقی خزر را روشن‌تر کرد و تأکید نمود که کشورهای ساحلی به‌صورت مشترک مسئول امنیت دریا هستند، هیچ نیرویی غیر از نیروهای کشورهای ساحلی نمی‌تواند از آن استفاده کند و همچنین محدوده آب‌های سرزمینی پنج کشور مشخص شد. با این حال، این کنوانسیون نحوه تقسیم بستر دریا و زیربستر آن را روشن نکرده است. (Pirani, 2019: 36) یکی از عوامل پیچیدگی و طولانی شدن مذاکرات برای نهایی‌سازی این کنوانسیون، ماهیت منحصر به فرد این پهنه آبی بود. خزر به دلیل موقعیت خاص خود، نه کاملاً دریا محسوب می‌شود و نه دریاچه. این پهنه آبی درون‌قاره‌ای، ارتباط مستقیمی با اقیانوس‌ها ندارد تا عنوان دریا به آن اطلاق شود. از سوی دیگر، به دلیل شباهت‌های زیاد به دریا از نظر ابعاد، ترکیب آب و ویژگی‌های بستر، عنوان دریاچه نیز ویژگی‌های آن را به خوبی توصیف نمی‌کند. به همین دلیل، «کنوانسیون ۱۹۸۲ سازمان ملل متحد در مورد حقوق دریاها یا دریاچه‌های فرامرزی» شامل حال دریای خزر نمی‌شود (کیخسروی، ۱۴۰۱: ۵۵-۴۹). همچنین تعیین مالکیت چندین میدان نفتی آن با دشواری روبرو بوده است. در واقع بین آذربایجان، ایران و ترکمنستان که به عنوان ساکنان جنوبی خزر شناخته می‌شدند، اختلافات مداومی وجود داشته است. (Bayramov, 2019: 166)

بنابراین امضای کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر گامی مهم در پایان دادن به مذاکرات بیست و دو ساله بود. با این حال، این کنوانسیون نه تنها نقطه پایان مذاکرات و اقدامات مربوط به خزر نیست، بلکه آغازگر اجرای توافقات، نظارت بر آن‌ها و شروع مذاکرات برای انعقاد موافقت‌نامه‌های جدید و ضروری محسوب می‌شود. زیرا در این کنوانسیون، تعیین حدود بستر و زیربستر و همچنین خطوط مبدأ و روش‌های آن مشخص نشده و به توافق‌نامه‌های جداگانه در آینده موکول شده است. (President of Russia, 2018) البته بند چهاردهم این کنوانسیون، به کشورهای ساحلی خزر اجازه می‌دهد خطوط لوله بسازند. با این حال، محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه وقت ایران، بلافاصله در یک اعلامیه تفسیری پس از امضای کنوانسیون یادآوری

کرد که محدوده دقیق بستر و زیربستر در این کنوانسیون مشخص نشده و تعیین آن مستلزم توافق میان همه کشورهای ساحلی است. به طور مشخص، بخش جنوبی بستر و زیربستر دریای خزر، که بین ترکمنستان، ایران و جمهوری آذربایجان قرار دارد و حتی در چشم‌انداز پروژه خط لوله ترانس-کاسپین مورد استفاده قرار می‌گیرد، هنوز تعیین تکلیف نشده است. (دیتل، ۱۴۰۱: ۱۸۷) نهایتاً اینکه کنوانسیون آکتائو ۲۰۱۸ هرچند چارچوبی کلی برای دریای خزر فراهم کرد، اما مسائل اصلی مانند تقسیم بستر و زیربستر، به ویژه در بخش جنوبی همچنان حل نشده باقی مانده است. نبود مرزهای دریایی دقیق میان ایران با ترکمنستان و آذربایجان موجب تداوم ابهام حقوقی و از دست رفتن فرصت‌های اقتصادی و رفع مشکلات زیست‌محیطی شده است. ایران با استناد به اصل انصاف و معاهدات تاریخی، از جمله توافق‌های ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ ایران با اتحاد جماهیر شوروی، خواهان سهم بیست درصدی از دریای خزر است. در مقابل، آذربایجان و ترکمنستان برای تقسیم بستر دریا از روش خط میانی حمایت می‌کنند که بیشتر به نفع آنهاست. ابهام موجود در اصطلاح «رژیم حقوقی ویژه» در کنوانسیون ۲۰۱۸ نیز امکان برداشت‌های متعارض توسط طرف‌های مختلف را فراهم کرده است. از طرفی رقابت‌های منطقه‌ای، از جمله روابط آذربایجان و رژیم صهیونیستی و حضور این رژیم در باکو و رقابت در قفقاز و سیاست بی‌طرفی ترکمنستان و عدم تمایل این کشور به ورود به منازعات دوجانبه، بر روند مذاکرات تأثیر می‌گذارد. در همین حال، روسیه که تقسیم نامتقارن منابع خزر را به سود خود می‌داند، به‌طور غیرمستقیم از مواضع باکو و عشق‌آباد در برابر ایران حمایت می‌کند. (Beheshtipour, 2025: 180-181)

ب) چالش‌های ناشی از متغیرهای داخلی در مناسبات ایران و ترکمنستان: یکی از موانع مهم برای بهره‌برداری موفق از ذخایر ترکمنستان، کمبود زیرساخت‌های حمل‌ونقل گاز طبیعی این کشور است. برخلاف دیگر تولیدکنندگان انرژی در منطقه، ترکمنستان با کمبود شدیدی در حوزه زیرساخت مواجه است. این کمبود زیرساخت مشکل اصلی برای اقتصاد ترکمنستان ایجاد کرده است؛ در واقع با عنایت به نقش قابل توجه بخش هیدروکربن در اقتصاد این کشور، ترکمنستان با تلاش بسیار سعی کرده است تا میادین نفت و گاز خود را به بازارهای صادراتی قابل اعتماد متصل کند و مسیرهای خود را متنوع سازد. (Raimondi, 2019: 49) چالش‌های داخلی دیگر، عمدتاً شامل موضوع پرداخت و قیمت‌گذاری معطوف به دو کشور است. در واقع اختلافاتی در زمینه قیمت‌گذاری و پرداخت‌ها بین دو کشور در بخش انرژی

وجود داشته، اما این اختلافات هیچ‌گاه از حد خاصی فراتر نرفته‌اند و تنها در سطح روابط دو جانبه انرژی رخ داده‌اند و تاثیری بر روابط سایر بخش‌ها نداشته‌اند. بعد از قطع صادرات گاز ترکمنستان به ایران در دی ۱۳۹۵ (ژانویه ۲۰۱۷م)، ایران پیشنهاد کرد که بدهی خود را از طریق ساخت جاده در ترکمنستان با استفاده از شرکت دولتی خود پرداخت کند، اما ترکمنستان بر موضع پرداخت نقدی به جای استفاده از خدمات، اصرار داشت. قابل ذکر است که چنین اختلافاتی در زمینه پرداخت یا قیمت‌گذاری چندین بار رخ داده است اما شرکت‌های ملی دو کشور آموخته‌اند که چگونه با بن‌بست‌ها مقابله کنند و اجازه ندهند تا این مشکل، به مشکل اصلی بین دولت‌ها بدل شود. (Pirani, 2019: 13)

ج) عوامل خارجی (ایالات متحده، روسیه و چین): در حالی که حوزه دریای خزر، لایه‌های گوناگونی از همکاری و تضاد منافع در سطوح محلی را نشان می‌دهد، اغلب به دلیل موقعیت جغرافیایی، منابع طبیعی غنی و منازعات منطقه‌ای، به عنوان نمونه برجسته‌ای از عرصه رقابت قدرت‌های بزرگ جهانی هم به تصویر کشیده می‌شود. (Bayramov, 2019: 160)

کشورهای اصلی که در سطوح مختلف و به دلایل مختلف در بخش نفت و گاز کشورهای آسیای مرکزی نقش دارند عبارتند از روسیه، چین، ایالات متحده، کشورهای اروپایی، ایران، هند و ترکیه. در میان این بازیگران، روسیه آسیای مرکزی را به دلایل تاریخی همچنان جزئی از حوزه نفوذ طبیعی خود می‌داند، در حالی که با حضور فزاینده پکن در این منطقه نیز روبرو است. شایان ذکر است که کشورهای غربی علیرغم فشارهایی که بر روابط انرژی‌محور ایران و ترکمنستان اعمال کرده‌اند، اما نفوذ سیاسی قابل توجهی در ترکمنستان ندارند. با این حال، تحریم‌ها و قوانین گسترده‌ای که واشنگتن علیه تجارت شرکت‌های خارجی با ایران اعمال می‌کند، عملاً همکاری‌های عمده بین ایران و ترکمنستان در حوزه انرژی را محدود کرده است. از نظر واشنگتن، هرگونه مشارکت ایران در توزیع انرژی این منطقه، سبب افزایش مجموع قدرت این کشور خواهد شد. در این راستا، ایالات متحده تاکنون مانع پیشرفت چندین پروژه شده است؛ از جمله پروژه خط لوله ترکمنستان-ایران-ترکیه^۱ که قرار بود گاز ترکمنستان را از طریق ایران به ترکیه و اروپا منتقل کند و پروژه خط لوله نابوکو^۲ که گاز را از منطقه خزر و خاورمیانه به اروپا می‌رساند. (Xushiyeva, 2022: 6) همچنین در نمونه‌ای دیگر، پروژه خط

^۱. Turkmenistan – Iran – Turkey Pipeline

^۲. Nabucco Pipeline

لوله قزاقستان-ترکمنستان-ایران به طول هزار و پانصد کیلومتر و بر اساس ظرفیت یک میلیون بشکه در روز طرح‌ریزی شد تا نفت قزاقستان و ترکمنستان را از طریق جزیره خارک در خلیج فارس به بازارهای بین‌المللی منتقل کند. شرایط برای ساخت این خط لوله مساعد بود، اما مخالفت مداوم ایالات متحده با هر پروژه‌ای که به نحوی به ایران مرتبط باشد یا برای آن منفعتی داشته باشد، سبب توقف این پروژه شد. در واقع واشنگتن به‌طور غیرمستقیم با حمایت از خط لوله باکو-تفلیس-جیحان^۱ که نفت را از بندر باکو در آذربایجان از طریق تفلیس، به بندر جیحان در ترکیه در دریای مدیترانه منتقل می‌کند، بر پروژه تأثیر گذاشت. اکنون بیشتر نفت قزاقستان از طریق کنسرسیوم خط لوله خزر^۲ و خط لوله باکو-تفلیس-جیحان منتقل می‌شود. (Musayeva, 2018: 127-129)

ترکمنستان در سال ۱۳۷۴ (۱۹۹۵م) رویکرد بی‌طرفی را در سیاست خارجی خود برگزید که یک سال بعد نیز به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید. سیاست انرژی این کشور نیز در همین چارچوب و با هدف استقلال عملی از سیاست‌های روسیه شکل گرفت. (دیتل، ۱۴۰۱: ۱۷۸) ایران و روسیه نیز همواره به عنوان رقبای اصلی برای توسعه هر نوع خط لوله در این منطقه معرفی می‌شوند و اتحادیه اروپا و ایالات متحده به متغیرهای مداخله‌گر توصیف شده‌اند. (Bayramov, 2019: 165) برای سال‌ها، روسیه جایگاه انحصاری در صادرات گاز ترکمنستان داشت که ابتدا با ساخت خط لوله کورپچه-کردکوی به ایران در سال ۱۳۷۶ (۱۹۹۷م) و به ویژه با تکمیل خط لوله آسیای مرکزی-چین در سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰م) شکسته شد. با این حال، یکی از اهداف اصلی روسیه جلوگیری از ساخت خط لوله ترکمنستان به سمت اروپا بود. به همین دلیل، روس‌ها مانع تلاش‌های کشورهای غربی و ترکمن‌ها برای یافتن راه‌های عملی صادرات گاز ترکمنستان شدند. البته روسیه در سال‌های اخیر تصمیم گرفته است اولویت روابط دوجانبه خود با عشق‌آباد را به حوزه‌های امنیتی منتقل کند؛ به‌ویژه با توجه به چالش‌های جدید در مرز ترکمنستان و افغانستان. به نظر می‌رسد این تغییر رویکرد تا حدی ناشی از افزایش نفوذ چین در بخش انرژی ترکمنستان و پیامدهای اقتصادی و سیاسی آن باشد. در پاسخ به این تحولات اقتصادی و سیاسی، ترکمنستان هم تصمیم گرفت روابط انرژی خود را با بازار جایگزین قدرتمند، یعنی چین، تقویت نماید. (Raimondi, 2019: 44)

^۱ Baku – Tbilisi – Ceyhan Pipeline

^۲ Caspian Pipeline Consortium

۹. نتیجه‌گیری

عامل راهبردی انرژی می‌تواند به عنوان ابزاری مهم، زمینه مناسبی برای همکاری بین دو کشور، ایران و ترکمنستان ایجاد کند، هرچند هر دو کشور به عنوان تولیدکنندگان گاز طبیعی، بالقوه رقیب یکدیگر هستند. اما ایران و ترکمنستان می‌توانند با توجه به ظرفیت‌های موجود مانند این که دو کشور هم مرز زمینی و هم مرز دریایی با هم دارند، همکاری در چارچوب ژئوپلیتیک انرژی و ژئواکونومی را به عنوان محور اصلی تعاملات دوجانبه خود فراتر از روابط دیپلماتیک موجود در نظر بگیرند. این نوع روابط عمل‌گرایانه نه تنها می‌تواند وابستگی ترکمنستان به جغرافیای روسیه در تجارت و انتقال انرژی را کاهش دهد، بلکه سبب انرژی ایران را در شرایط تحریم‌های یک‌جانبه ایالات متحده متنوع کند و از فشار تحریم‌ها بکاهد. همچنین انتقال یا سوآپ گازی، به ویژه در فصول سرد سال، می‌تواند ناترازی انرژی در استان‌های شمالی ایران را مرتفع کند. از طرفی ترانزیت گاز ترکمنستان از مسیر ایران در چشم انداز انتقال از راه‌گذر بین‌المللی شمال- جنوب و حتی با استفاده از بندر چابهار هم می‌تواند مسیری مطمئن برای صادرات گاز ترکمنستان فراهم کند و هم جایگاه ایران را به‌عنوان حلقه اساسی زنجیره ترانزیت گاز منطقه‌ای تثبیت نماید. بنابراین ظرفیت انرژی در سیاست خارجی ایران می‌تواند کارکردی به مثابه یک ابزار راهبردی به خود بگیرد و در راستای همسوسازی منافع انرژی‌محور دو کشور همزمان در کاهش چالش‌های ژئوپلیتیکی ترکمنستان و ژئواکونومیک‌های ایران ایفای نقش کند. این نوع از همکاری می‌تواند یکی از پایدارترین و سودمندترین انواع همکاری بین دو کشور باشد، زیرا نفت و گاز، سوآپ و انتقال آن می‌تواند به عنوان ابزاری راهبردی و مؤثر برای تحکیم روابط دوجانبه و حتی چندجانبه منطقه‌ای و بین‌المللی قرار گیرد. به ویژه حضور دو کشور و همسایگان آسیای مرکزی، جنوبی و منطقه قفقاز در سازمان همکاری‌های اقتصادی (اگو) می‌تواند شتاب‌دهنده این نوع همکاری‌ها باشد. البته همانطور که بیان شد این همکاری‌ها تا حدی در حال انجام است، اما به ظرفیت کامل خود نرسیده است.

با این وجود، دو طرف می‌توانند با هدف بهره‌مندی کامل از این فرصت، چالش‌های عرصه سیاست داخلی و روابط خارجی خود را بهتر مدیریت نمایند. در واقع دو کشور می‌توانند با اولویت‌بندی سیاست همسایگی، توافق‌های تجاری انرژی خود را پایدارتر و هدفمندتر گسترش دهند مانند امضای قراردادهای بلندمدت و قابل‌اعتماد با سیستم‌های پرداخت شفاف که می‌تواند تعهد طرفین همزمان را افزایش دهد. البته در سال‌های اخیر، به‌ویژه از دوران دولت

سیزدهم، ایران با اتخاذ سیاست همسایگی به دنبال تقویت روابط با همسایگان خود بوده است. با این حال، سیاست خارجی ایران در قبال ترکمنستان در چارچوب ژئوپلیتیک انرژی و ژئواکونومی می‌تواند بر مبنای حسن همجواری و منافع ملی پیگیری شود تا اینکه منافع سازمانی یک وزارت‌خانه خاص، محور اصلی روابط با ترکمنستان باشد. نهایتاً اینکه ترکمنستان می‌تواند دروازه‌ای برای گسترش روابط ایران با آسیای مرکزی باشد و نقش مهمی در تسهیل اثرات تحریم‌های ایالات متحده بر ایران ایفا کند و ترکمنستان نیز ایران را نه تنها مصرف‌کننده انرژی، بلکه مسیری برای صادرات به بازارهای مهم انرژی مانند هند و تا حدی اروپا ببیند. امید است که دو کشور بتوانند با استفاده از ظرفیت‌های متنوع خود، همکاری‌های راهبردی منطقه‌ای را تقویت نمایند و روابطی پویا و چندجانبه را رقم بزنند.

منابع و مأخذ

فارسی:

- آستانه، محمود. (۱۳۹۳). قطع سوآپ در سال ۸۹ در اوج موفقیت ایران در مقابل رقبا/ مذاکره با پنج شرکت برای از سرگیری عملیات سوآپ نفت. *باشگاه خبرنگاران جوان*. بازیابی در ۱۹ مهر ۱۴۰۴، از <https://www.yjc.ir/00KkcB>
- اسلامی، مسعود و غریبی، محسن. (۱۳۹۷). ژئواکونومی نوین انرژی و پیامدهای آن برای امنیت انرژی جهان. *فصلنامه سیاست خارجی*. ۳۲(۲)، ۷۱-۱۰۲.
- اصولی، قاسم و نواختی مقدم، امین. (۱۴۰۰). فرصت‌ها و چالش‌های همکاری ژئواکونومیک ایران و ترکمنستان. *پژوهش نامه ایرانی سیاست بین‌المللی*. ۹(۲)، ۳۳۴-۳۶۴. doi: 10.22067/irlip.2021.21346.0
- توکلی، م. و برزگر، ک. (۱۴۰۰). دیپلماسی اقتصادی و سیاست همسایگی ایران و ترکمنستان. *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*. ۲۷(۱۱۶)، ۳-۲۸
- جمالزاده، ر. و رحیمی‌نیا، م. (۱۳۹۸). شوروی‌هراسی و نقش آن در فرآیند سیاست خارجی پهلوی دوم. *دانش سیاسی*. ۱۵(۱)، ۲۹-۵۴. <https://doi.org/10.30497/pk.2019.2620>
- دنیای اقتصاد. (۱۳۹۷، مرداد ۲۳). ماجرای قطع گاز ترکمنستان به روی ایران. *روزنامه دنیای اقتصاد* دریافت‌شده در ۳ خرداد ۱۴۰۴، از <https://donya-e-eqtesad.com/fa/tiny/news-3427342>
- دهقانی فیروزآبادی، ج. (۱۳۹۲). *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: سازمان سمت.
- دیتل، گ. (۱۴۰۱). *بازی بزرگ گاز*. (آ). بهبهانی و م. تیشه‌یار، مترجمان. تهران: مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی، وزارت امور خارجه.

- روزبهرانی، ع. م. (۱۴۰۳). جهش روابط تجاری ایران و ترکمنستان متأثر از سیاست‌های دولت سیزدهم [مصاحبه]. *ایرنا*. بازیابی شده در ۳ اردیبهشت ۱۴۰۴ از <https://irna.ir/xjRw9G>
- کرمی، افشین (۱۴۰۲). رقابت ژئوپلیتیکی دولت‌های ایران، قطر، روسیه و ترکمنستان برای دستیابی به بازارهای جهانی انرژی، *دولت پژوهی ایران معاصر*، ۳(۹)، ۱۴۴-۱۲۱.
- کرمی، ج. و سلورزی‌زاده، م. (۱۴۰۲). تحلیل راهبردی - پیش‌تدبیرانه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال ترکمنستان. *پژوهش‌های روابط بین‌الملل*، ۱۳(۲)، ۱۷۱-۲۰۲. <https://doi.org/10.22034/irr.2023.377204.2319>
- کیخسروی، مهدی. (۱۴۰۱). *نظام حقوقی دریای خزر در حقوق بین‌الملل با تاکید بر اسناد اجلاس آکتائو (۲۰۱۸)*. تهران: انتشارات گنج دانش
- گل افروز، محمد. (۱۳۹۴). نقش ژئوپلیتیک انرژی در امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. *فصلنامه سیاست جهانی*، ۴(۳)، ۱۹۹-۲۲۴.
- موسوی، پ. (۱۳۹۵). پیامدهای منفی توقف سوآپ نفت به اقتصاد کشور. *روزنامه ایران*. بازیابی شده در ۱۱ مهر ۱۴۰۴ از <https://www.iotco.ir/fa/newsagency/1329> پیامدهای منفی -توقف سوآپ نفت به اقتصاد- کشور.

انگلیسی:

- Allamyradov, G. (2022). Iran's key role as Turkmenistan's gateway to the world market. *International Journal for Multidisciplinary Research*, 4(5). <https://doi.org/10.36948/ijfmr.2022.v04i05.014>
- Amirahmadian, B.; Osuli Odlu, Gh. & Rezaei Rad, E. (2024). The Geopolitical and Geoeconomic Effects of the Trans-Caspian Pipeline (1996) Implementation on Regional Countries: A Case Study of Iran. *Journal of Iran and Central Eurasia Studies*, 7 (1), 1-15. DOI: <http://doi.org/10.22059/jices.2024.374898.1066>
- Atai F. & Azizi H. (2012) The Energy Factor in Iran-Turkmenistan Relations, *Iranian Studies*, 45:6, 745-758, <https://doi.org/10.1080/00210862.2012.726877>
- Bayramov, A. (2019). Great game visions and the reality of cooperation around post-Soviet transnational infrastructure projects in the Caspian Sea region. *East European Politics*, 35(2), 159-181. <https://doi.org/10.1080/21599165.2019.1612372>
- Begjanov, A. (2021). Turkmenistan's Energy Exportation Deals With Iran. *Econder Uluslararası Akademik Dergi*, 5(1), 69-80. <https://dergipark.org.tr/en/pub/econder/issue/63254/799446>
- Beheshtipour, H. (2025). The Caspian Sea: Challenges and Opportunities for Cooperation Among Littoral States After the 2018 Convention. *Journal of Political Science and International Relations*, 8(3), 179-184. <https://doi.org/10.11648/j.jpsir.20250803.18>
- Behuria, A. K., & Rizvi, M. M. A. (2015). India's renewed interest in Chabahar: Need to stay the course. *IDSIA*. https://www.files.ethz.ch/isn/191336/IB_Chabahar_BehuriaRizvi_130515.pdf

- BP,(2021). Statistical Review of world energy. <https://www.bp.com/content/dam/bp/business-sites/en/global/corporate/pdfs/energy-economics/statistical-review/bp-stats-review-2021-natural-gas.pdf>.
- Chaudhury, D. R (2017). “India-Eurasia road almost ready, container dry run soon”. *The Economic Times*. Retrieved 21 May 2025. https://www.google.com/url?sa=t&source=web&rct=j&opi=89978449&url=https://m.economictimes.com/industry/transportation/shipping/-/transport/india-eurasia-road-almost-ready-container-dry-run-soon/articleshow/57980716.cms&ved=2ahUKEwjh_uJs7uNAxUtUaQEHehTNrEQFnoECBYQAQ&usq=AOvVaw0JprQpkJvtPrfT93kFe7QK
- Chourasia, S. K. (2023). The rise of the Middle Corridor: What is India's response? *Observer Research Foundation*. <https://www.orfonline.org/expert-speak/the-rise-of-the-middle-corridor>
- ECO Organization. (n.d.). Energy, Minerals and Environment. Retrieved September 8, 2025, from <https://eco.int/elementor-6936/7047-2>
- ECO Organization. (2021). *ECO strategy for energy cooperation 2030*. <https://eco.int/wp-content/uploads/2023/08/ECO-Energy-Strategy.pdf>
- Egeresi, Z.(2023). Azerbaijan and the Turkic World. *Foreign Policy Review*. <https://doi.org/10.47706/KKIFPR.2023.2.53-70>
- Energy Institute. (2024). *Statistical Review of World Energy*. Retrieved April 20, 2025, from <https://www.energyinst.org/statistical-review>
- Escobar, P. (2023). The inside story of Russia-Iran-India connectivity. *The Cradle*. <https://thecradle.co/articles/the-inside-story-of-russia-iran-india-connectivity>
- Musayeva, G. (2018). The role of the USA in the implementation of the project Baku-Tbilisi-Ceyhan. *American History & Politics: Scientific Edition*, 4, 125–131. <https://doi.org/10.17721/2521-1706.2018.04.125-131>
- Kaleji, V. (2023). Chabahar port transit project: *The eastern wing of the International North–South Transport Corridor (INSTC)*. *IRAS*. <https://www.iras.ir/en/chabahar-port-transit-project-the-eastern-wing-of-the-international-north-south-transport-corridor-instc/>
- Lelyveld, M. (2019). China's Sinopec said to support Trans-Caspian plan. *Radio Free Asia*. https://www.rfa.org/english/commentaries/energy_watch/chinas-sinopec-said-to-support-trans-caspian-plan-09092019113214.html
- Ministry of External Affairs. (2024). *Government of India..* Question no. 44 Chabahar Port Project (Rajya Sabha starred question no. 44, answered on 28.11.2024). [https://www.mea.gov.in/rajya-sabha.htm?ANSWER%20MINISTER%20OF%20EXTERNAL%20AFFAIRS%20\(DR.%20SUBRAHMANYAM%20JAISHANKAR\)dtl%2F38631%2FQUESTION+NO+44+CHABAHAR+PORT+PROJECT](https://www.mea.gov.in/rajya-sabha.htm?ANSWER%20MINISTER%20OF%20EXTERNAL%20AFFAIRS%20(DR.%20SUBRAHMANYAM%20JAISHANKAR)dtl%2F38631%2FQUESTION+NO+44+CHABAHAR+PORT+PROJECT)
- Mostajabi, M. (2017). Iran, Turkey key to Turkmenistan realizing its energy potential. *Atlantic Council*. <https://www.atlanticcouncil.org/blogs/new-atlanticist/iran-turkey-key-to-turkmenistan-realizing-its-energy-potential/> Retrieved April 23, 2025
- Orazgaliyev, S., Ostrowski, W., & Kubicek, P. (2017). Competition for pipeline export routes in the Caspian region: The new Great Game of the new Silk Road? *Cambridge Journal of Eurasian Studies*, 1, 1–23. <https://doi.org/10.22261/5B75G8>
- Pirani, S. (2019). *Central Asian gas: Prospects for the 2020s*. Oxford Institute for Energy Studies. from <https://www.oxfordenergy.org/publications/central-asian-gas-prospects-for-the-2020s/>

- President of Russia. (2018). *Convention on the Legal Status of the Caspian Sea*. Retrieved November 25, 2025, from <http://en.kremlin.ru/supplement/5328>
- Raimondi, P. P. (2019). Central Asia oil and gas industry: The external powers' energy interests in Kazakhstan, Turkmenistan and Uzbekistan, **FEEM Working Paper No. 6. 2019**. <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.3386053>
- Roy, Meena Singh. 2015 "International North-South Transport Corridor: Re energising India's Gateway to Eurasia", *IDSAs issue brief*, Retrieved April 22, 2025. From https://idsa.demosl-03.rvsolutions.in/publisher/system/files/issuebrief/IB_msroy_180815.pdf
- Shaffer, B. (2022). Iran's policy toward the Caucasus and Central Asia. *The Central Asia-Caucasus Analyst*, Central Asia-Caucasus Institute & Silk Road Studies Program. <https://www.cacianalyst.org/resources/220817-FT-Iran.pdf>
- Shayan, F. and Basiri, M. A. (2023). An Analysis of Energy Relationship among Iran, Turkmenistan and Turkey from the Perspective of Regional Integration. **Central Eurasia Studies**, 15(2), 241-263. doi: 10.22059/jcep.2023.349822.450106
- Shibasaki, R., Tanabe, S., & Kato, H. (2021). Central Asia: Typical landlocked region across Eurasian continent. In *Global logistics network Modelling and policy* (pp. 253-276). *Elsevier*. doi:10.1016/B978-0-12-814060-4.00013-7
- Suhasini H. (2021) "India pushes for Chabahar in India-Iran-Russia INSTC corridor", *The Hindu*, March 04, <https://www.thehindu.com/news/national/india-pushes-for-chabahar-in-india-iran-russia-instc-corridor/article33988009.ece>, Accessed on May 22, 2025
- Vinokurov, E., Dzhadraliev, M., Shcherbanin, Yu. (2009) *Mezhdunarodnyetransportnyekoridory EvrA-zES: bystree, desheve, bol'she*. Industry report 5. March. Almaty: EDB. Retrieved March 17, 2025, from <https://eabr.org/analytics/archive-edb-editions/otraslevye-obzory>.
- Walker, E (2025). Central Asia maps. Eurasian Geopolitics, <https://eurasiangeopolitics.com/central-asia-maps>.
- Xushiyeva, G. M. (2022). Iran's Key Role as Turkmenistan's Gateway to the World Market. *International Journal For Multidisciplinary Research*, 04(05). <https://doi.org/10.36948/ijfmr.2022.v04i05.014>
- Zhu, k (2025). The World's Top Countries by Natural Gas Reserves. <https://www.visualcapitalist.com/ranked-the-worlds-top-countries-by-natural-gas-reserves>.